

بردم و می بینم درجراید سوه تعمیر شده است. لازم دیدم توضیح بدهم چون منکک ما اداره و وزارتخانه دارد و باید مالیات اودر راه خودش صرف بشود ولی مجلس شورایملی برای حفظ شرافت ایرایت مقررئ شاه مخلوع را تصویب کرد بنده آنروز عرض کردم سادات که شاهزاده حقیقی هستند باوجود این توقع ندارد خودشان را بدولت تحمیل کنند و این عرض بنده بدتعبیر شده است. این است که درخانه از نمایندگان جراید استدعا دارم که عرایض بنده را بسمع عامه برسانند که منظور بنده این نبود که یک دینار حیف و میل شده باشد اگرچه برای اولاد بینمیر هم باشد. وسوه تفاهم نشود.

رئیس - مخاطب جنابمالی جراید نیستند بلکه مخاطب شما آقایان نمایندگان خواهند بود (گفته شد صحیح است)

جلسه آتیه روزه شنبه یکساعت بغروب دستورهه بقیه مذاکرات راجع بودجه خواهد بود

رئیس الوزراء - درموقعی که مذاکره در قانون استخدام شد نتوانستم عرض کنم خوب است قبل از آنکه در کمیسیون مذاکراتی بشود به هیئت دولت مراجعه شود که دولت مطالعاتی نموده بعد بکمیسیون ارجاع شود و در کمیسیون هم البته نماینده دولت حضور خواهد داشت.

رئیس - ارسال خواهد شد (مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۶۵
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه سیزدهم دلو هزار و سیصد مطابق چهارم جمادی الثانی هزار و سیصد و چهل

مجلس یکساعت قبل ازغروب در تحت ریاست آقای معتمدالملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم شنبه یازدهم دلورا آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - نسبت به صورت مجلس اعتراضی هست یا نه.

رکن الملک - آقای قوام الدوله را در صورت مجلس غائب بدون اجازه نوشته اند در صورتی که ایشان کسالت مزاج داشتند گویا به هیئت رئیس هم اطلاع داده اند این جلسه هم بواسطه کسالت مزاج نتوانستند حاضر شوند

رئیس - اطلاع نداده اند ولی اصلاح میشود. اعتراض دیگری نیست گفته شد خیر؟ (صورت مجلس با این اصلاح تصویب شد دستور امروز بقیه مذاکرات در راپورت کمیسیون بودجه است ولی یک فقره راپورت از شعبه سوم راجع بنمایندگی آقای مخبر السلطنه چندی قبل رسیده بود و بنیاش قدری بتعویق افتد اگر مخالفی نباشد فعلا جزء دستور بشود. مخالفی نیست؟ (مخالفی نشد.)

آقای جلیل الملک - احضار برای قرائت راپورت آقای جلیل الملک راپورت شعبه سوم راجع بنمایندگی

آقای مخبر السلطنه از طهران بمضمون ذیل قرائت نمودند.

خبر از شعبه سوم بمجلس شورایملی چون خاطر محترم آقایان نمایندگان از شرح جریان انتخابات طهران مسبوق و مستحضر است شعبه سوم زائدمیداند مجدداً راپورت مشروح آنرا تقدیم مجلس شورایملی نماید

آقای مخبر السلطنه که یکی از نمایندگان تهران هستند با کثرت پنجهزار و دوست و هفتاد و سه رأی انتخاب شده و شعبه ۳ صحت انتخاب ایشان را در حوزه انتخابیه طهران و مضافات تصدیق مینماید

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی نیست آقای سید یعقوب. بنده مخالفم رئیس - پس میماند برای جلسه دیگر بعضی مذاکرات از ماده نهم ضمیمه بودجه شروع میشود.

آقای تدین ماده نهم را بمضمون ذیل قرائت نمودند

ماده نهم وزارت فوائد عامه با شهریه های وزارتخانه پیشنهادی دولت ۸۸۶۱۸ تومان به پیش-نهادی کمیسیون ۶۰۰۰۰ تومان

رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (اجاز)

آقا میرزا ابراهیم - بنده به ترتیبی که تا کنون وزارت فوائد عامه اداره می شده هم با وزارتخانه مخالفم هم با این اعتبار زیرا کار وزارت فوائد عامه فقط اجازه دادن دو سه ملیون و اداره کردن یک مدرسه فلاحتی و یک قدری بنائی های دولتی است و کار دیگری ندارد.

بنده معتقدم که شعبات وزارت فوائد عامه برود بوزارتخانه هایی که متناسب با او است مثلا مدرسه فلاحت برود وزارت معارف و آن اداراتی که از قبیل اداره معادن است و هایدی دارد برود بوزارت مالیه و شعبه تجارت هم رجوع بشود بوزارت خارجه. حاصل اینکه این پولی که بوزارت فوائد عامه داده میشود بنده معتقدم زیادی است یعنی ما باین ترتیبی که امروزه اداره میشود والا اگر این ترتیب نباشد و اصلاحاتی بشود بنده مخالفت ندارم ولی وزارت فوائد عامه را با این ترتیب لازم نمی دانم.

مخبر - بنده خیلی متأسف هستم که هیئت دولت و نمایندگان قوه مجریه حاضر نیستند که جواب آقای قمی را چنانچه وظیفه دولت است داده و دفاع از اعتراض ایشان کرده باشد ولی همینقدر خاطر معترض محترم را متذکر می کنم باینکه آقای رئیس الوزراء که چند روز قبل از این تشکیل کابینه داده اند و یک وزیر فوائد عامه معین نموده اند در صورتیکه این اظهارات هم راجع بوزارت فوائد عامه سابق شده بود ناچار یک نظریه داشته اند و حالا متأسفانه تشریف ندارند که مداخله بفرمایند

بلی وزارت فوائد عامه آن طوریکه تا حال

بوده اهمیت فوق العاده را نداشته ولی باید قائل شوم که باین وزارتخانه در این مملکت باید اهمیت زیادی داد و قدم اول ما باید حفظ و نگاه داشتن این مؤسسه باشد.

در کمیسیون بودجه هم اول مخارجی که فقط میشود گفت مخارج اداره کردن ادارات آنجاست در نظر گرفته شده است و اگر هم این ادارات بسایر وزارتخانهها ملحق شود مخارجی که از این بودجه کسر خواهد شد خیلی جزئی است و قابل اهمیت نیست فقط همان حقوق وزیر یا رئیس کابینه از بین میرود و باقی مخارج بجای خود خواهد ماند مثلا مدرسه فلاحت هر کجا باشد خرج دارد یا اداره معادن و معماری و غیره در هر وزارتخانه باشد همین بودجه را خواهد داشت باین ملاحظه تصور می کنم نباید اشکال کرد و این بودجه مختصر را باید تصویب نمود ولی البته صحیح است و باید تأکید کرد و یقین دارم هیئت دولت با تغییر اصولی که وزارت فوائد عامه تا بحال اداره میشده است موافق است و البته ترتیبات آنجا را بقسمی که لازم یک وزارتخانه حقیقی است مرتب خواهند نمود.

رئیس - آقای حائری زاده شما مخالفید حائری زاده - بلی بنده مخالفم رئیس - بفرمائید

حائری زاده - بنده نمی دانم مقصود از این وزارت فوائد عامه چیست و برای چه تأسیس شده و اگر وزارتتی است که هایدی برای دولت تهیه میکنند با آقای قمی هم عقیده مستم و باید جزء وزارت مالیه بشود و چون جمع آوری عایدات با وزارت مالیه خواهد بود زیرا بزیاده گذاردن چند معادن و گرفتن مبلغ جزء حق العبور کار مهمی نیست که وزارتخانه علیحده لازم داشته باشد اینکه آقای مخبر فرمایند وزارت فوائد عامه وجودش برای مملکت ما لازم است یا این وزارتخانه کدام نابود را بود کرده کدام کار را برای بیکاره های مملکت تهیه کرده کدام معدنی که خراب شده وسائل آباد شدنش را فراهم کرده کدام راه شوسه را درست کرده بالاخره وزارت فوائد عامه حقیقی خیلی کارها باید بکند و آنوقت هم این بودجه برای او خیلی کم است ولی چون حالا هایدی ما اقتضا نمی کند و بحال بدبختی هستیم خوب است هجالتاً وزارت فوائد عامه حذف شود و تا انشاالله وقتی که بودجه ما کفایت کرد یک بودجه بهتری که برای وزارت فوائد عامه مناسب و کافی باشد معین کنند که یک کارهای خوبی برای این مملکت بکنند والا اگر با این ترتیب حالیه ما با اسم وزارت فوائد عامه یک مخارجی قائل شوم هیچ لزومی ندارد صورت عایدات وزارت فوائد عامه درسته قبل پنجاه و دو هزار تومان بوده است و هشتاد و هشت هزار تومان مخارج بودجه آنجا شده است و امروزه شصت هزار تومان بودجه فوائد عامه را نوشته اند این یک کار غلطی است آیا هیچ تاجری برای جمع آوری پنجاه و دو هزار تومان هایدی شصت

هزار تومان مخارج می کند ما این نقشه را که تعقیب میکنیم خیلی نقشه غلطی است ما باید چیزهای اصلی را مقدم بداریم و بایام بدبختی خودمان ادامه ندهیم برای جمع آوری پنجاه و دو هزار تومان شصتهزار تومان مخارج نکنیم یعنی بنده فعلا خوب است وزارت فوائد منحل شود و حق العبور هم از مردم نگیرند معاون هم آزاد باشد که هر کس بخواهد برود کار بکند نه اینکه پنجاه و دو هزار تومان هایدی برای ما تهیه بکند و شصتهزار تومان خرج و شریک منافع مردم باشد همینطور که عرض کردم اگر نابودی را بود میگردید یک معدن خرابی را اصلاح می نمودید بکراه شوشه تهیه میکرد یا خط آهن ایجاد مینمود وجودش لازم بود نه اینکه دسترنج دیگران را از آنها بگیرند مثلاً معدن زاج بود در این زردشتی اجاره کرده و راههای بدبخت که میخواهند بروند زاج استخراج میکنند یک تکت هایدی استخراجی آنها را بدون جوت از آنها بگیرد و بالاخره عرض میکنم که وزارت فوائد عامه عجلاناً زیادی است و باید حذف شود برای اینکه هر سبزی فروش مبداند که برای پنجاه و دو هزار تومان عایدی شصت هزار تومان مخارج غلط است .

هر وقت که عایدی زیادی پیدا کردیم و توانستیم راه آهن و راه شوشه درست کرده و معادن استخراج کنیم آنوقت وزارت فوائد عامه هم تأسیس می کنیم ولی عجلاناً یا باید بوزارت مالیه ملحق شود یا جزه وزارت معارف بشود .

رئیس - آقای فهیم الملک موافقت می نماید .

فهیم الملک - بنده موافقت می نمایم .

رئیس - بنده عرض می نمایم که آنوقت وزارت فوائد عامه هم تأسیس می کنیم ولی عجلاناً یا باید بوزارت مالیه ملحق شود یا جزه وزارت معارف بشود .

رئیس - بنده عرض می نمایم که آنوقت وزارت فوائد عامه هم تأسیس می کنیم ولی عجلاناً یا باید بوزارت مالیه ملحق شود یا جزه وزارت معارف بشود .

رئیس - آقای فهیم الملک موافقت می نماید .

فهیم الملک - بنده موافقت می نمایم .

رئیس - بنده عرض می نمایم که آنوقت وزارت فوائد عامه هم تأسیس می کنیم ولی عجلاناً یا باید بوزارت مالیه ملحق شود یا جزه وزارت معارف بشود .

رئیس - آقای فهیم الملک موافقت می نماید .

فهیم الملک - بنده موافقت می نمایم .

رئیس - بنده عرض می نمایم که آنوقت وزارت فوائد عامه هم تأسیس می کنیم ولی عجلاناً یا باید بوزارت مالیه ملحق شود یا جزه وزارت معارف بشود .

رئیس - آقای فهیم الملک موافقت می نماید .

فهیم الملک - بنده موافقت می نمایم .

رئیس - بنده عرض می نمایم که آنوقت وزارت فوائد عامه هم تأسیس می کنیم ولی عجلاناً یا باید بوزارت مالیه ملحق شود یا جزه وزارت معارف بشود .

رئیس - آقای فهیم الملک موافقت می نماید .

فهیم الملک - بنده موافقت می نمایم .

رئیس - بنده عرض می نمایم که آنوقت وزارت فوائد عامه هم تأسیس می کنیم ولی عجلاناً یا باید بوزارت مالیه ملحق شود یا جزه وزارت معارف بشود .

مخبر - توضیحاتی که آقای فهیم الملک خواستند آنچه بنده استنباط کردم راجع براههای جدیدی است که تازه بدولت ایران واگذار شده و راجع به طرز اداره کردن و عایدی آنها است البته تصدیق میفرمائید قسمت راجع به عایدی آنها چون بودجه جمع آزروری بودجه سال پیچی نیل نوشته شده و در آن سه عوائد این راهها در دست دولت نبوده ولی گمان می کنم این بودجه که در اینجا نوشته شده با در نظر گرفتن این راههای جدید است و همین اندازه تصور میکنم برای ما در موقع تصویب بودجه کافی باشد و اما راجع بقسمت دیگر که حسن اداره یا سوء اداره راهها است و ترتیب جمع آوری عایدات یا تعیین حق العبور که آزروری چه مانده و بجهت ترتیب تمرکز پیدا میکند این را بعد هم میشود از وزارت فوائد عامه سؤال کرد و توضیح خواست خود بنده هم از نقطه نظر شخصی می توانم عرض کنم که با این ترتیب اداره کردن امروزه مخالفم چرا که بجهت وجه قرار صحتی در اداره کردن و جمع آوری عوائد این راهها در بین نیست و این ترتیب یک مضراتی هم دارد که ممکن است این راهها بابت مخارج گزافی که ساخته شده از بین برود البته باید یک قرار صحتی در این موضوع گذاشت ولی البته تصدیق میفرمائید که مورد این مذاکره در موقع تصویب بودجه خرج نیست ، ممکن است بعد از آقای وزیر فوائد عامه سؤال کنیم و اگر نظریاتی داریم با ایشان القا کنیم .

رئیس - آقای سلطان العلماء مخالف هستید ؟

سلطان العلماء - بلی بارابور مخالفم

رئیس - بفرمائید

سلطان العلماء - البته بنده تصدیق میکنم که وزارت فوائد عامه در مملکت یکی از مؤسسات مهمه است و لفظ فوائد هم جمع مکرر است چنانچه در معالک متمدنه دنیا هر جا که این وزارت خانه را دارند مناقع کثیره از فوائد عامه میرند و بیشتر عوائد منافع دولت را وزارت فوائد عامه تهیه میکند اما در مملکت ما چنانکه در موقع مذاکره در پرگرام هم عرض کردم این قضیه موضوع مصداقی است و چنانچه در اغلب معالک دنیا این وزارت خانه جزء بعضی وزارت خانهای دیگر است و سابق بر این در ایران هم وزارت فوائد عامه جزء وزارت پست و تلگراف بوده و در دوره سوم از هم جدا شدند و همانطور که عرض کردم در بعضی معالک دنیا پست و تلگراف و فوائد عامه بلکه بعضی مشاغل دیگر دولتی را هم یک وزارت خانه اداره می کنند . . .

مخبر - در کجا اینطور است ؟

سلطان العلماء - البته تصدیق میفرمائید که مؤسسات هر دولتی برای رفاهیت فقرا و کار پیدا کردن برای آنها است حالا که ما وسائل برای ایجاد صنایع و کارخانجات و استخراج معدن و راه سازی و غیره نداریم خوب است وزارت فوائد عامه و پست و تلگراف چنانچه قبلاً هم یکی بوده حالا هم یکی باشد تا بعد اگر

انشاءالله موفقیت پیدا کردیم و کارهای خوبی توانست وزارت فوائد عامه بکند آنوقت مجدداً تأسیس شود اما فعلاً چون کار زیادی ندارد وزارت پست و تلگراف می تواند این کار را عهده دار شود چنانچه سابق هم اینطور بوده و در اغلب معالک دنیا هم همینطور است

مخبر - در کجا . . .

سلطان العلماء - در فرانسه همینطور است

مخبر - خیر ، اینطور نیست

سلطان العلماء - هست همانطور که عرض کردم وجود فوائد عامه برای تکثیر عایدات است که از این منافع کثیره راه بسازد و ایجاد صنایع و استخراج معادن بکند ولی عجلاناً که ما اینجا را نداریم یعنی وسائلی در دست نداریم خوب است فوائد عامه هم جزو وزارت پست و تلگراف بشود این است نظریات بنده حالا اگر آقایان نظریات دیگری دارند بفرمایند شاید بنده هم قانع شوم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا موافقت می نماید ؟

محمد هاشم میرزا - بلی

رئیس - بفرمائید .

محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم که آقایان تصور فرموده اند وزارت فوائد عامه یک تشکیل جدید و تأسیس تازه است در صورتی که از زمان مرحوم اعتضاد السلطنه و مخبر الدوله در سنه ۱۲۹۰ وزارت فوائد عامه بوده حتی مدتی هم کارهای فوائد عامه به چند وزارت تجزیه شده بود وزیر معادن داشت وزیر تجارت داشت و بالاخره در دوره مشروطیت که عهد وزراء را به هفت نفر محدود کردند ناچار یک چندی وزارت فوائد عامه را با پست و تلگراف و یک مدتی هم بوزارت معارف ملحق کردند اما فعلاً مدت هشت سال است که بکلی از این دو وزارتخانه مجزا شده و خودش دارای وزارتخانه معین و مستقلی است و اینکه بعضی از آقایان می فرمایند وزارت فوائد عامه شصت هزار تومان عایدی ندارد که ماسالی شصت هزار تومان برای آن خرج کنیم خیر اینطور نیست یکی از معادن معدن نفت جنوب است که سالی شش کرور عایدی دارد همینطور معادن و جنگلهای زیادی در ایران هست که تمام نعت نظریات وزارتخانه هفتاد و پنج یا هشتاد و پنج معدن وزارت فوائد عامه اداره میکنند و اجازه می دهد یا بزیاید و اگذار می کند و بقدری که لازم است وزارت فوائد عامه عایدی دارد و البته نباید فراموش شود که در مملکت ما معادن خیلی زیاد است از آن جمله در سبزوار که یکی از ولایات خراسان است در چند نقطه معدن مس موجود است و کذا در جاهای دیگر که باید فکری کرد وسائل استخراجش را فراهم نمود غرض اینست که این یک مطلب اساسی است و وجود وزارت فوائد عامه در هر مملکتی لازم است و در مملکت ما هم البته لازم است که فلاح و تجارت ما را مرتب کند

و صنایع را رواج بدهد علی الخصوص فلاح که وجود مملکت ما بسته باوست و همچنین فوائد عامه باید راههای ما را درست و مرتب کند راههای شوشه فعلی را نگهدارند خراب شود .

تقریباً الان یا بعد فرسخ راه شوشه در ایران هست از اینجا به رشت و از قره تو بطهران و از مشهد بسیستان و از رشت بازلی و طهران و قزوین است که باید تمام اینها در تحت نظر وزارت فوائد عامه اداره بشود .

رئیس - نظر آقای زنجانی چیست ؟ موافقت یا مخالف .

زنجانی - موافقت .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت می نماید ؟

حاج شیخ اسدالله - بلی موافقت .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید .

آقاسید یعقوب - بنده متأسفم که آقای وزیر تشریف ندارند تا کاملاً مطالب و عقاید خود را عرض کنم .

عقاید بنده بدینگونه است با آقای حائری زاده و آقای قمی مخالف است و هم با عقیده شاهزاده محمد هاشم میرزا اما با عقاید قمی و حائری زاده مخالفم بجهت اینکه میفرمائید ما در مملکت وزیر فلاح و تجارت لازم نداریم یعنی چه اغلب شغل مملکت ایران گندم کاری و زراعت است ایران که صنعت ندارد کارخانه ندارد عایدات و منافعی فقط منحصر است بزراعت و فلاح و ناچار است برای اداره کردن این امر وزیر مسئول داشته باشد . ما که نمی توانیم بقرعه برگردیم و تمام امور را معول کنیم بیک اتابک اعظم که آنوقت بر دارد دست خط کند فلانکس را فلان کار مکن و فلان مطلب را نکن . ما مجبوریم کارها را تقسیم کنیم ما چطور می توانیم یک وزارت تجارت و فلاح که بزرگ ترین کارهای دنیا است از بین ببریم و یا بوزارتخانه دیگر منتقل کنیم .

اینهم تفاوتی قابل نیست و در عرض ضرورت خیلی زیاد تر است و بنده تصور میکنم نباید چنین کاری را کرد و برای هزار و پانصد تومان نباید یک وزارتخانه را از بین برد بلکه باید آرزو داشت که وزارت فوائد عامه داشته باشیم و بر ترقیاتش بیافزاییم .

و نگهداریم از بین برود بعضی از آقایان میفرمایند امورات این وزارتخانه را به وزیر مشاور واگذار کنند و حال آنکه وزیر مشاور برای این است که مثلا یک وزیر که بر ترتیب داخلی وزارتخانه مشغول است و خیلی کار دارد و نمی تواند حاضر بشاورد بشود از این جهت وزیر مشاور تعیین میکنند و اگر بفرمائید آقای حائری زاده رفتار شود که می فرمائید بجهت پنج وزارتخانه باشد و آن قدر تشکیلات مملکتی را کوچک کنیم علاوه بر اینکه با امور خودشان نرسند در امور مملکتی هم دچار مشکلات خواهند شد و بالاخره عقیده بنده این است که از این هشت و نه وزیر نباید کاست ولی باید وظائف هر یک از آنها را بخودشان رجوع کنند .

مثلاً اگر کارهایی که راجع بفوائد عامه است بصرف خودش بدهند نه بوزارتخانه غیر مربوطه آن وقت خواهند دید که چقدر کار دارد بطوریکه در تمام معالک دنیا معمول است جنگلها ، راهها و صنایع ، و امتیازات معدن تمام بدست وزارت فوائد عامه است ولی در مملکت ما اینطور نیست .

امتیازات را وزارت خارجه میدهد و راهها را دیگری در تصرف دارد معدنش را کس دیگر متصرف

است در صورتی که مطابق معمول تمام معالک دنیا این امور باید با فوائد عامه باشد و اگر این ترتیب که عرض کردم نباشد آنوقت وجودش لغو است و ابداً لازم نیست . و این جزئی کارش را هم ممکن است تجزیه و قسمت کنند ولی بهرحال بنده این مبلغ را برای وزارت فوائد عامه عجلاناً زیاد نمیدانم چون غالب ادارات این وزارتخانه راجع بمطالب فنی است و نیشرد آنها را حذف کنیم و بوزارتخانههای دیگری منتقل نماییم .

رئیس - نظر آقای زنجانی چیست ؟ موافقت یا مخالف .

زنجانی - موافقت .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت می نماید ؟

حاج شیخ اسدالله - بلی موافقت .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید .

آقاسید یعقوب - بنده متأسفم که آقای وزیر تشریف ندارند تا کاملاً مطالب و عقاید خود را عرض کنم .

عقاید بنده بدینگونه است با آقای حائری زاده و آقای قمی مخالف است و هم با عقیده شاهزاده محمد هاشم میرزا اما با عقاید قمی و حائری زاده مخالفم بجهت اینکه میفرمائید ما در مملکت وزیر فلاح و تجارت لازم نداریم یعنی چه اغلب شغل مملکت ایران گندم کاری و زراعت است ایران که صنعت ندارد کارخانه ندارد عایدات و منافعی فقط منحصر است بزراعت و فلاح و ناچار است برای اداره کردن این امر وزیر مسئول داشته باشد . ما که نمی توانیم بقرعه برگردیم و تمام امور را معول کنیم بیک اتابک اعظم که آنوقت بر دارد دست خط کند فلانکس را فلان کار مکن و فلان مطلب را نکن . ما مجبوریم کارها را تقسیم کنیم ما چطور می توانیم یک وزارت تجارت و فلاح که بزرگ ترین کارهای دنیا است از بین ببریم و یا بوزارتخانه دیگر منتقل کنیم .

بنده که با این عقیده کاملاً مخالفم ، تجارت است که تمام جنگلهای دنیا برای ترویج آن است و باید وزارتخانه معین داشته باشد چرا منحل کنیم بر عکس بنده عرض میکنم وزارت تجارت از اهم وزارتخانهها است بلکه می توان گفت که با وزارت خارجه و خارجه که حافظ استقلال داخلی و خارجی ما است همدوش است و بجهت جوع از آنها تأخیری ندارد این علت مخالفت بنده با نظریه ایشان امام هالفت بنده باصل اداره کردن وزارت فوائد عامه با اینجهت است که یک اطلاعاتی دارم و یک تحقیقاتی کرده ام یک اداره در وزارت فوائد عامه هست مسمی با اداره مهندسی بنده رقوم و سؤال کردم که مجلس پانزده هزار تومان برای تعمیر سد جاجرود تصویب کرده چه شد تعمیر کردند یا نه گفتند ما اصلاً خبر نداریم وزارت مالیه خودش

دستور داد و خرج کردند. آنوقت می‌پرسم از این پل سازی راهها شما چه اطلاع دارید جواب گفتند ما از راهیکه از لنج گرفته ایم ماهی یا نمند تومان هایدی داریم و هزار بانصد یا چهارصد تومان خرج بنده عرض میکنم وزارت فواید عامه که باید کجبهای نهائی مارا ظاهر کند و تجارت مارا ترقی بدهد(امروز که ما در بودجه صحبت میکنیم ناچار باید اینگونه مطالب را هم بگویم) و از مالالتجاره خارجه که سرمایه مارا بکلی از بین برده و از ورود اسباب تجلات و تفننات که خانه ما را ویران کرده قدری جلو گیری کنیم. آیا دروزرات تجارت برای منح از ورود این گونه مالالتجارهها چه اقدامی کرده اند؟

البته وزارت تجارت مسئول این ترتیبات است وقتی این قبیل مالالتجاره در مملکت مامتمصل وارد شد و هیچ چیز از مملکت خارج نشد البته بکلی سرمایه از بین می‌رود و مملکت گدا و فقیر میشود دائماً تلگراف از اطراف می‌آید که قالی و غیره صادر میشود و بالاخره صادرات ما در مقابل واردات ماهیچ شده است بنده عرض میکنم وزارت تجارت مسئول این مطالب است و باید جواب بدهد. حالا آقای مخبر غیر از بحث در بودجه کار دیگری نمیکند و عرایض بنده بیهوده و بلا جواب میماند به حال این بود عرایض بنده

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده اساساً موافقم ولی میخواهم یک مطلبی عرض کنم که دفع خیلی از اشتباهات بشود. در هر مملکتی کارهایی که در آن مملکت هست بحسب مناسبت آن کارها را تقسیم میکنند و هر کدام که باید بکنند مربوط هستند یک وزارتخانه برای اداره کردن آنها تشکیل می‌دهند و هیچکس از این ادارات برای پیدا کردن عایدات نیست برای تحصیل مداخل نیست عایدات فقط با مجلس شورای ملی است بعضی مالیاتها را مجلس شورای ملی باید وضع کند امتیازات را مجلس میدهد معادن و جنگلها را بدست این و آن می‌دهد و مداخل برای مملکت پیدا میکند تحصیل عایدی با مجلس شورای ملی است وزارتخانه فقط برای خرج کردن و اداره کردن امور مردم است مثلاً وزارت جنگ برای تأمین مملکت است و سر تاپا خرج است. پس باید گفت مابین وزارتخانه را چون دخل ندارد نخبوایم.

وزارت جنگ برای امنیت مملکت است که فسون و قوای تأمینیه مملکت را مرتب کند و تماش خرج است وزارت فواید عامه برای نظارت کردن در امور راهها و معادن و غیره است. نباید گفت چرا وزارت فواید عامه معادن را استخراج میکنند مردم باید تشکیل کمیاتی ها بدهند و استخراج کنند باید کمیاتی بیاید راه بسازد آنوقت وزارت فواید عامه نظارت کند. مگر در خارجه راهها را وزارت فواید عامه می‌سازد؟ خیر شرکتها تشکیل میشوند و می‌آیند فلان راه را اجاره میکنند و می‌سازند آنوقت وزارتخانه

بمجلس است باید هر وزارتخانه قانون تشکیلات خودش را تهیه کند و مانظر نکنیم هر کدام زیادی است بادلایل او را حذف کنیم هر کدام لازم است بجای خودش باقی باشد باید اساس کار را بحسب مناسبت مرتب کرد

مثلاً یک وزارتخانه که باید روابط با خارجه داشته باشد باید در آن وزارت خانه علوم و زبان خارجه متداول باشد آن وقت امور داخله را نمی توانیم باو مراجعه کنیم البته باید کار وزارتخانه از یک دیگر متمایز باشد.

یک وزارتخانه اجزایش علوم خارجه باید بدانند از منشی و مستخدم کلبه مربوط با امور خارجه باشند مثلاً عدلیه باید جدا باشد و قضات لایق تربیت کند دیگر آنها نمی توانستند کار وزارت داخله یا خارجه را بکنند هکذا سایر وزارتخانهها از قبیل پست و تلگراف و فواید عامه و غیره البته کسی که کارش تلگراف چی گیری است نباید در فواید عامه دخالت کند پس باید امورات بحسب تناسب تقسیم شود و کار هر یک را مرتب و معین نمایند.

آنوقت اگر یک وزارتخانه ناقص است باید ترتیبات آنرا تکمیل کرد نه اینکه آنرا بکلی منحل کرد باید آنرا در مرتب و منظم کرد تقریباً تا کم کم کار هم زیاد بشود و این مردمی که اینقدر از دولت توقع کار دارند و بسردوات ریخته اند که چرا کار برای آنها پیدا نمی کند حق توقع دارند که ان راهم دولت برای آنها درست کند و با آنها بدهد که بشورند بروند تجارت کنند

کسب کنند کارخانه تشکیل بدهند آنوقت وزارت فواید عامه امور آنها را منظم و مرتب کند و با امورات آنها رسیدگی نماید کسی نمی تواند. وزارت فواید عامه بگوید چرا راه را نمی سازی.

مگر وزارت فواید عامه میتواند راه بسازد باید وزارت فواید عامه اجازه بدهد امتیاز بدهد یک شرکت با کمیاتی و آنوقت اگر خلاف کردند باید از آنها مواخذه بکنند که چرا مثلاً این راه سنگس در آمده یا چرا بکفران را دوقران گرفتیم. بعضی می گویند چرا فواید عامه معادن را استخراج نمیکند یا چرا همله نمیکرد استخراج کند خیر اینطور نیست باید مجلس بیک کمیاتی یا شرکتی اعتبار بدهد و آن ها معادن را استخراج کنند و وزارت فواید عامه نظارت کند پس وجود وزارت فواید عامه خیلی لازم است و بودجه اش هم خیلی کم است هم چنین وزارت معارف و عدلیه بریروز هم عرض کردم این وزارت خانه ها تشکیلات مشروطه است و باید تقویت بشود ولی بعضی ازوزارت خانهها هستند که در زمان استبداد هم داشتیم و باید آنها را کوچک کرد تا کم کم تشکیلات ما با هم مساوی شوند

مخبر - لازم است بنده یک توضیحی بدهم چون فرمایشی که آقای زنجانی فرمودند گویا سوء تفاهمی شده است برای اینکه اعتراضی که راجع به

تشکیلات فرمودند مستقیماً به بنده فرمودند ولی بنده نقطه نظر این نبود که آقا فرمودند شاید بیانم قاصر بوده است آن شب که آقایان در موقع بودجه اعتباری در تشکیلات مذاکره میکردند بنده عرض کردم و حالاً هم عرض میکنم موقی که مجلس می تواند در تشکیلات اداری امان نظری بکنند که موقع تصویب بودجه باشد یعنی در موقعی که بودجه های جزء به مجلس می آید مجلس می تواند در تشکیلات اگر نظریه داشته باشد دخالت نماید نه در موقعی که بودجه و اعتباری تصویب میشود در آن موقع هم این یک راه غیر مستقیم است که بوسیله تصویب بودجه مجلس نظریه خود را در تشکیلات اظهار مینماید والا اصل تشکیلات حق قوه مجریه است

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده نظری بفرمایند حضرتعالی نداشتیم در جلسه گذشته آقای فحیم الملک فرمودند تشکیلات با وزارتخانهها است و مربوط بمجلس نیست جواب ایشان را عرض کردم

رئیس - آقایان مذاکره را کافی میدانند یا خیر

آقای زاده - بنده توضیحی دارم

رئیس - (خطاب به حائری زاده) تقریباً پنج شش نفر قبل از شما اجازه خواسته اند و اسم جنابعالی ششم است و اسم آقای قمی هفتم است

ارباب کیخسرو - چون اینجا یک مذاکراتی شد لازم است توضیحی عرض کنم اجازه میفرمائید؟

رئیس - مخالفید یا موافق

رئیس - بعد از آقای فحیم الملک بفرمائید فحیم الملک - در موضوعی که آقای نظام الدوله فرمودند چون دولت کاپیتولاسیون را تفکر کرده رفته رفته کار مراعات خارجه بعدلیه رجوع خواهد شد و معاکمات خارجه باید برداشته شود منتهی اگر تشریفاتی در ولایات برای قنصول هم لازم باشد یا کارها داشته باشند حکومت این کارها را ممکن است انجام دهد لیکن مسئله را کمیخواهم توضیح بدهم راجع بشهریه های وزارت خارجه است که از بودجه آنجا خارج کرده اند چون شهریه های وزارت خارجه مثل شهریه های معمولی نیست عده از این شهریه بگیرها در سنوات گذشته سابقه خدمت داشته اند و در وزارت خارجه زحمت کشیده اند و برای اینکه در این اواخر زندگانی و امرار حیوانی مینمایند با آنها یک حقوق تقاعدی داده شده است

حالیه که آنها را از بودجه وزارت خارجه و در جزء سایر شهریه بگیرها گذاشته اند حقیقه در باره آنها کمال بی انصافی شده است و بنده عقیده ام این است که کافی السابق حقوق این اشخاص را در جزو بودجه وزارت خارجه منظور دارند ولی اشخاصی که بدون استعفا با آنها حقوق داده شده ممکن است آن ها را خارج کنند ولی اشخاصی که عمر خودشان را در این وزارتخانه تمام کرده اند امروز انصاف نیست آن ها را در جزو سایر شهریه بگیرها که هنوز تکلیفشان معلوم نیست قرار دهیم

مخبر - امروز صبح آقای وزیر خارجه در کمیسیون بودجه تقریباً همین نظریه آقای فحیم الملک را اظهار کردند کمیسیون بودجه هم این عقیده را اتخاذ کرد که بکلیه حقوق هائی که داده میشود رسیدگی کند آنچه را که مصداق حقوق تقاعدی است یعنی شهریه هائی است که بیک اشخاصی داده میشود کسابقاً دروزارت خانهها مستخدم بوده و زحمت کشیده اند و بعد از مدتی خدمت بوسیله زیادی سن از کار افتاده اند حقوق این قبیل اشخاص بمجلس پیشنهاد خواهد شد که جزو بودجه وزارت خارجه باشد و از آنجا دریافت کنند ولی سایر شهریه ها که بموجب تصویب نامه و غیره برقرار شده است البته آنها را کمیسیون تصدیق نخواهد کرد و باید مستقیماً از وزارت مالیه دریافت دارند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفید یا موافق؟

محمد هاشم میرزا - بنده موافقم

رئیس - اکثریت قریب با اتفاق است

رئیس - تصویب می کنند قیام نمایند

رئیس - تصویب شد ماده دهم قرائت می شود

رئیس - (آقای تدین شرح آتی قرائت نمودند)

ماده ده - وزارت خارجه با سفارت افغانستان و شهریه ها پیشنهادی دولت (۷۲۴۲۱۴) تومان تصویب کمیسیون (۶۴۰۰۰۰) تومان

رئیس - در این ماده اعتراضی هست؟ آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - به عقیده بنده خوب است کار گذارهای ولایات را منحل نمایند و کار اتباع خارجه را بمعام کم عدلیه رجوع کنند و از بودجه حقوق آنها کسر شود

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - کمیسیون بودجه با وزارت خارجه مشغول تبادل افکار بوده است و این بودجه چندان بی ماخذ و غیر تحقیقی نوشته نشده است مخصوصاً در این باب مذاکره شدیچه و مسائل ممکن است از این بودجه کسر شود

یکی از آن راهها این بود که کار گذاری های محل هائیکه امروز لازم نیست منحل شود و کار گذاری های سرحدی که وجودشان لازم است باقی باشد و همچنین نسبت به سفارتخانه های که در خارجه هستند این نظریه بوده که آنجا هائی که لازم نیست حذف شود و در نقاطی که لازم است مثل افغانستان اضافه شود

غرض این است که نظریات آقای حائری زاده کلبه در کمیسیون بودجه اعمال شده و دیگر نمیشود یک دینار از بودجه وزارت خارجه کسر کرد و بجای خود کسر شده است

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت؟

حاج شیخ اسدالله - موافقم

رئیس - آقای فحیم الملک موافقت؟

فحیم الملک - دیگر مخالفی نیست؟

رئیس - نظام الدوله - در این قسمت که گفته شد کار گذاری ولایات بعدلیه رجوع شود بعقیده بنده اگر مقتضی باشد به معاونین حکام رجوع شود بهتر است

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه مخالفید؟

حاج نصیر السلطنه - غیر بنده با رایورت موافقم ولی در این موضوعی که آقای نظام الدوله فرمودند اجازه میفرمائید جواب عرض کنم؟

رئیس - (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قیام نمایند

خارجه درولیات کار خود را بمانند حکومت رجوع نمایند تا رسیدگی کار گذارها بمعاضدات خارجه از بین برداشته شود و معاون وزارت امور خارجه در این باب وزارت امور خارجه مشغول مطالعات است و در بودجه جدید یک عده از کار گذارها حذف خواهد شد

رئیس - مذاکرات کافی است (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رای می گیریم آقایانیکه ماده دهم را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . آقای حائری زاده پیشنهاد کرده اند چون ماده ۱۱ الساعه طبع و توزیع شده بماند برای جلسه دیگر **مخبر** - الساعه طبع نشده صبح شده است .

رئیس - خطاب به آقای حائری زاده اگر توضیح بدارید بفرمائید **حائری زاده** - راپورت کمیسیون بودجه را الساعه بینده داده اند و هنوز در اطراف آن مطالبات مانده و گمان می کنم چهار پنج ساعت وقت لازم دارد تا نمایندگان افکارشان را حاضر کنند و اگر آقایان موافقت کنند بمانند برای جلسه آتی ضروری نخواهد داشت

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - چون این مطلب اساساً سابقه دارد و جزئیاتش هم طبع شده و امروز صبح توزیع کرده اند و مدتی است در دست آقای حائری زاده بوده است گمان می کنم دیگر تأخیرش موقع نداشته باشد و اگر بماند برای جلسه دیگر شاید تا دو هفته دیگر هم نتوانیم در این موضوع بودجه رای بدهیم (جمعی گفتند صحیح است)

رئیس - چون پیشنهاد کرده اند رای می گیریم **حائری زاده** - حاج شیخ اسدالله فرمودند صبح توزیع شده در صورتی که الساعه آقایان تصویب کنند که مأمور توزیع است این توزیع را ببنده داده ممکن است تحقیق بفرمایند **شیخ الاسلام اصفهانی** - بلی ببنده هم یک ساعت قبل رسیده است **رئیس** - رای می گیریم آقایانی که تصویب می کنند ماده یازدهم بمانند برای جلسه دیگر قیام فرمایند .

(دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - ماده یازدهم از روی راپورت ۱۴ قرائت می شود (آقای تدین بمضون ذیل قرائت نمودند) ماده یازدهم وزارت معارف و اوقاف و صحیه پیشنهادی دولت جمع کل (۶۲۲۶۲۲) تومان

تصویب کمیسیون بودجه جمع کل ۵۹۲۲۶۳ تومان وزارت خارجه (۶۰۰۰۰ تومان) پیشنهادی دولت .

تصویب کمیسیون بودجه ۵۵۰۰۰ تومان صحیه پیشنهادی دولت ۸۴۲۰۰ تومان تصویب کمیسیون ۸۲۲۰۰ تومان مدارس تهران و حومه ابتدائی متوسطه و غیره پیشنهادی دولت ۲۴۳۸۲۳ تومان تصویب کمیسیون بودجه ۲۴۳۸۲۳ تومان

اعانه مدارس خارجه طهران پیشنهادی دولت ۱۶۶۶۰ تومان تصویب کمیسیون ۶۶۶۰ تومان اعانه معصلین داخله پیشنهادی دولت ۵۰۲۰ تومان تصویب کمیسیون ۲۷۰۰ تومان اعانه معصلین خارجه پیشنهادی دولت ۲۷۹۹ تومان از طرف کمیسیون تصویب نشد حذف شد .

اعانه مدارس ملی پیشنهادی دولت ۸۴۰۰ تومان تصویب کمیسیون ۸۱۶۰ تومان اعتبارات پیشنهادی دولت ۲۰۲۸۰ تومان تصویب کمیسیون ۱۲۲۸۰ تومان معلمین اروپائی مطابق کثرتات پیشنهادی دولت ۲۲۰۰۰ تومان - تصویب کمیسیون ۲۲۰۰۰ تومان

صنایع مستظرفه پیشنهادی دولت دوازده هزار تومان تصویب کمیسیون دوازده هزار تومان

ایالات و ولایات - از بابت دوائر معارف و بعضی مدارس پیشنهادی دولت ۱۸۴۴۰ تومان تصویب کمیسیون ۱۸۴۴۰ تومان

مدارس پیشنهادی دولت ۱۳۰۰۰۰ تومان - تصویب کمیسیون ۱۳۰۰۰۰ تومان **رئیس** - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده در یک قسمت از این ماده مخالف هستم اگر جزء بجزه رای گرفته می شود در موقع خودش عرض خواهم کرد و اگر یک مرتبه رای گرفته می شود الان عرض کنم **رئیس** - خیر یک مرتبه رای گرفته می شود **محمد هاشم میرزا** - عرض میکنم آنطوری که

در کمیسیون بودجه وقت کردم با وجود مؤسساتی که در طهران هست از قبیل مدارس خارجه و معلمین خارجه و غیره که در ولایات نباید باشد معهداتی بطور اجمال عرض می کنم فریب چهارصد و پنجاه هزار تومان برای معارف طهران معین شده و بجهت بودجه ایالات و ولایات صد و چهل و هشت هزار تومان نوشته شده است و این دو قلم با یکدیگر تناسبی ندارد و بنده این بودجه را غیر متناسب میدانم و عقیده بنده این است که باید وزارت معارف یک تناسبی بین طهران و سایر ولایات رعایت کند و با وجود امتیازاتی که تهران دارد بودجه این قدر بی تناسب نباشد و خوب است تمام ایالات و ولایات ایران را در مقابل طهران

نگذارند و اگر می توانند به بودجه ولایات بپردازند و اگر نمی توانند از بودجه طهران کسر کرده به ولایات بپردازند تا فی الجملة تناسبی ملحوظ شده باشد .

مخبر البته همه ماها با اظهارات حضرت والا راجع به تکثیر مدارس در ایالات و ولایات موافقیم - علی الخصوص بنده که نماینده یکی از ولایات هستم ولی خود سرکار در کمیسیون تشریف داشتید و این مذاکرات در آنجا شد و تمام اشکالاتی که موجود است شدید و دیدید غیر از مسئله پول یک مسائل دیگری هم لازم است که نمیشود در ولایات فعلاً مدارس زیادی تأسیس کرد طهران و حومه آن با اهمیتی که بواسطه مرکز بودنش دارد کلیه معارف مدارس ابتدائی و متوسطه اش به صد و هشتاد هزار تومان رسیده در صورتیکه هشت باب مدرسه متوسطه را که منها کنیم قریب پنجاه و هشت هزار تومان از آن کسر میشود پس تصدیق بفرمائید که تناسب تا درجه موجود است بعلاوه این مبلغ یکصد و سی هزار تومان که باید در ایالات و ولایات مدارس تأسیس شود گمان میکنم اگر آن راجع به تأسیسات جدید است و گمان میکنم خودتان هم تصدیق بفرمائید که این یک قدم اولیه و بزرگی است که برای توسعه معارف برداشته شد و امیدواریم در آتی هم قدمهای سریع دیگر برداشته شود تا کاملاً معارف در همه جا تعمیم پیدا کند و باین مطلب هم

نیشود راضی شد که در مدارس موجوده طهران را به بندهم و برای رعایت تناسب بولایات بیا فزائیم **آقا سید یعقوب** - تمام ماها قهراً و طبعاً به بسط معارف متوجه هستیم .

شاهزاده محمد هاشم میرزا باعتبار نمایندگی از ولایات اعتراض کردند و مخبر یک جوابی دادند که گمان میکنم غیر منطقی بوده ایشان فرمودند مدارس طهران بسته شود که این جواب را بایشان دادند بنده عرض میکنم که اهالی مالیات میدهند آنوقت دولت به جنوب چه توجهی کرده رو را به شمال پشتمش را به جنوب کرده آیا کار دیگری هم کرده ترفیات اهالی فارس در این مدت چه بوده شیراز که دارالعلم بوده چه مدرسه دارد در صورتیکه همیشه اطاعت کرده اند و هرچه مالیات خواسته اند داده اند کرمان ایالت بآن عریض و طویل کدام مدرسه در آنجا تأسیس شده و همچنین بروجرد و لرستان و غیره ما خیلی خوشوقت هستیم که معلمین و ادبای طهران بیشتر شوند و اهالی ایالات و ولایات را تربیت کنند ولی گمان نمیکند انصاف نمایندگان حکم کند که یک طهران مقابل تمام ولایات باشد و آقای وزیر معارف تمام ایران را در مقابل طهران قرار بدهد و ما از این مسئله خیلی دلتنگ هستیم و میخواهیم ایالات و ولایات همیشه متوجه بمعارف بوده اند و هر وقت اهالی ولایات همیشه متوجه بمعارف بوده اند و مالیات جدیدی وضع شد با کمال شوق پرداخته اند آنوقت که قرار شد تومانی یک عباسی و خرواری یک قران برای معارف بدهند کدام سربچی کردند

وقتی که امین مالیه پول ها را می برد و خرج خودش میکند تقصیر رعایا است . ملت با تمام قوا حاضر است معارج معارف را بدهد اما وقتی که بدانند که بآن مصرف میرسد و در درشان دوا میشود مثلاً می بینم معلمین اروپائی را می نویسند بیست و دو هزار اومان در صورتیکه بنده تحقیق کرده ام هفته پنج ساعت و یا ده ساعت بیشتر درس نمیدهند و آنوقت در این باب ابدآ کسی حرف نمیزند اما راجع بایالات و ولایات که حافظ استقلال ایران هستند اینطور ایراد میکنند و بنده مخالف هستم و تا یک توضیحی داده نشود که معارف ایالات و ولایات زیاد تر خواهد شد دست از مخالفت خود برنمی دارم **مخبر** - در موقعی که آقای آقا سید یعقوب عبارت غیر منطقی را ذکر کردند بنده گوش دادم تا به بندهم خودشان بفهمم این کلمه درست بصیر هستند یا نه .

بالاخره فهمیدم که ملتفت نیستند و الا تصدیق میکردند که غیر منطقی است این است که امروزه در موقعی که تمام دنیا و ملل مختلفه عالم دم از وحدت میزنند ما بیائیم در یک مجلس صد و سی نفری که هشتاد نفر زیاد تر حاضر نیست دهوای مرکز ولایت بکنیم من که نماینده کرمانشاهان هستم و فلان آقا که نماینده طهران هستند همه نماینده این مملکت هستیم و همه تعمیم معارف را برای افراد ایرانی میخواهیم فرق مابین ایالات و ولایات نیست و ما نباید برای این که موکلین خوششان بیاید حرف بزنیم باید حفظ مصالح مملکت را در نظر داشت اول پول پیدا کرد بعد خرج کرد شما حاضر باشید پس پیدا کنید

پس پیدا کنید پنج برابرده برابر این مبلغ را خرج کنید و در تمام ده کوره های مملکت مدرسه تأسیس کنید ولی وقتی که عایدی نیست و مجبور هستند از تمام معارج سنواتی کسر کنند که بودجه تعدیل شود دیگر این مطالب یعنی چه ما نباید خودمان را گول بزنیم و بگوئیم یک الفاظی گفتیم و نشد اگر مقصود گفتن است که بنده هم میگویم تمام ایالات و ولایات ایران باید مدرسه داشته باشد ولی اگر من بعنوان مخبر کمیسیون بودجه دفاع میکنم برای این است که اعضاء کمیسویی را که خودتان معین کرده اید و همه نماینده شما هستند اول مطمح نظرشان تعدیل جمع و خرج این مملکت است برای حیات مملکت برای استقلال مملکت مدرسه برای ما خوب است وقتی که استقلال داشته باشیم وقتی که زنده باشیم

مدارس و تربیت کردن اطفال عموم مردم است ولی باین حال نباید ما زندگانی اصلی خودمان را بخاطر بیندازیم در صورتی که می توانیم یک کار هائی را از روی ملاحظت با قدمهای تدریجی تکمالی انجام دهیم و نواقص خود را تکمیل کنیم اینک می فرمائید مردم حاضرند مالیات جدیدی برای این کار بدهند گمان می کنم اگر آقای رئیس الوزراه تشریف داشتند پیشنهاد میکردند که مجلس معادل هر قدر که صلاح

می داند مالیات وضع کند همه را خرج مدارس ولایات بشاید ولی امروز باید سعی کنیم بودجه را تعدیل نمایم برای اینکه دولت ما مجبور نباشد همه روزه شرافت استقلال مملکت را بدر خانه اجانب برده پول تحصیل کند

آقا سید یعقوب - کی این حرف را زده است؟ **رئیس** - آقای رئیسالتجار (اجازه)

رئیسالتجار - بنده متأسفم با این شرحی که حضرت والا فرمودند کاملاً نمی شود اهالی ولایات را قانع کرد عوام این مملکت می بینند مالیات می دهند و وقتی روز نامه بولایات میرود می بینند ۴۵۰۰۰۰ تومان برای معارف در تهران معین شد و ۱۳۰۰۰۰۰ تومان برای ولایات اگر بنده شخصاً تمام فرمایشات حضرت والا را تصدیق کنم معهداتی اهالی را نمی شود قانع کرد و گفت شما که از هر حیث ده برابر طهران هستید از طهران مدرسه کمتر داشته باشید البته طهران یک مدافعی داشت و یک بیدقتهائی هم برداشتنند و روزنامه نویسا هم یک تعبیراتی برای نطق یک نفر وکیل کردند و مبلغ زیادی اضافه شد ولی راجع بولایات هیچکس حرفی نمیزند باید انصاف بندهم با اینکه من تصدیق دارم مالیات کفایت نمی کند لکن با این حال آیا برای کلیه معارف ایالات و ولایات اهالی را می شود به ۱۳۰۰۰۰۰ تومان قانع کرد؟

معقیده بنده کفایت مقدر است اگر تومانی صد دینار از این نوزده میلیون معارج بعنوان معارف کسر شود ۲۰۰۰۰۰۰ تومان می شود یابینکه اگر ممکن است از معارج دیگری کسر کنند یا جلو گیری از تقریب کارها بکنند و خرج معارف ولایات کنند و یا همانطوری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند مالیاتی وضع کنند یا از آن شش میلیونی که از نفت جنوب می بردند لافل مقداری از آن را برای جنوب خرج کنند که معارف آنجا ترقی کند انصافاً ملاحظه بفرمائید این ۱۳۰۰۰۰۰ تومان برای معارف یک مملکتی چه می شود کرد

اگر این مبلغ را قائل بشویم بهمدرسه بیشتر از سی چهار هزار تومان نمیرسد کدام مدرسه است که بتوان باهاسی ۵۰ تومان اداره کرد بنابراین بنده استدعا میکنم که یک مجلسی رامعین کنند و بر بودجه فعلی ولایات افزوده شود

مخبر - برای اینکه در این جا رفع اشتباه آقای رئیسالتجار شود متذکر می شوم که اولاً پیشنهادی دولت برای مدارس طهران و حومه آن دو پست و چهل و سه هزار و هشتصد و بیست و سه تومان است و همین مبلغ هم از طرف کمیسیون تصویب شد و اینکه اشاره از گذشته فرمودند چون حضرتعالی تازم در کمیسیون بودجه عضو شده اید از سابقه خبر ندارید اختلافاتی اگر بین رقم سابق و رقم حالیه دیده اید هیچ مربوط بکمیسیون بودجه و تعدیل نظر مجلس نیست وزیر سابق اشتباه کرده بود و رقم پیشنهاد کرده بودند کمیسیون بودجه هم همان رقم را بعلاوه

هشت هزار تومان تصویب کرده و بعد وزیر معارف دیده اشتباه کرده است صورت جزئیاتش را بکمیسیون آورده نشان داد و دیدیم مبلغی با معارج موجوده تفاوت دارد این را من باب تذکر خواستم عرض کنم حالا جزه این مبلغ را برای شما عرض می کنم بیست و سه باب مدارس ابتدائی پنج کلاس است که هفتاد و چهار هزار و یکصد و شش تومان خرج آنها است هفت باب مدرسه ابتدائی شش کلاس است که مبلغ ۲۰۸۷۲ تومان خرج دارد و ده باب مدرسه انات است و یکی دارالمعلمیات که خرج آنها ۲۲۸۸۰ تومان است ده باب هم مدرسه حومه طهران است که ۷۱۰۴ تومان خرجش می باشد این مبلغ های جزه کلیه معارج مدارس ابتدائی ذکر و رواات طهران است اگر شما بخواهید تناسب را رعایت بکنید باید باین ارقام توجه کنید و بعلاوه بر این هشت باب مدرسه متوسطه است که پنجاه و شش هزار و دویست و ده تومان اینها در بودجه معارج برای او منظور میشود اما یک قسمت عایدی دارد که در حقیقت کمتر از این مبلغ است این یک قسمتی است بقیه مدارس دارالفنون دارالمعلمین و مدرسه موزیک و مدرسه طبی است و ارقام معارج آنها هم که اضافه شود (۲۴۳۸۲۳ تومان) بودجه است که باسم مدارس نوشته شده اما چهار صد و پنجاه هزار تومان بفرمائید قلم های دیگری دارد و حاصل تأسیساتی است که هر قدر هم جلو برویم امروز در ایالات و ولایات نمی شود آن تأسیسات را ایجاد کرد این توضیحاتی است که برای روشن شدن فکر جنابعالی عرض کردم ولی اگر هیئت دولت بتواند یک مجلسی پیدا کند که بتواند بر بودجه فعلی ایالات و ولایات بپردازد در آتی البته بهتر است و گمان می کنم مخالفی هم در این موضوع نباشد

وزیر معارف - بنده تصور می کنم مخالفت آقایان بیک مخالفت ظاهری وسطی باشد در موضوع ازدیاد مدارس تصور می کنم دولت ملت همه آرزو مند هستند معارف مملکت را هر قدر بتوانند توسعه دهند و اسباب ترقی ایرانیان را فراهم کنند اما راجع بمعارج مدارس طهران و ایالات که فرمودند رعایت تناسب نشده اگر از نقطه نظر مرکزیت هم باشد می بینیم در طهران توسعه معارف باید بیش از اینها باشد مثلاً دارالفنون ما فقط اسم دارد و اگر بخوایم مدرسه عالی باشد هنوز خیلی نقص دارد ولی برای اینکه خرج زیادی تولید خواهد شد باین مبلغ قناعت نشده و این مبلغ که برای معارف معین شده زیاد نبوده و یا مبلغی که برای ایالات و ولایات تشخیص داده شده بی تناسب نمی باشد زیرا چهار پنج سال پیش نیست که در ولایات تأسیس مدارس نموده ایم و البته تصدیق می فرمائید که بطور تعجیل نمیشود یک اقدامات اساسی کرد مثلاً تأسیس مدارس معلم خوب لازم دارد باید معلم تربیت کرد و در تمام نقاط مملکت متفرق نمود که هر جا مدرسه تأسیس میشود اسباب کارش هم فراهم باشد البته سعی دولت و وزارت معارف هم این است که در ایالات و ولایات چند برابر پولی که امروز تخصیص

داده شده خرج شود بلکه شایدین نظر رانیز داشته باشد که در بعضی مراکز ایالات و ولایات دارالفنون هم تأسیس نمایند تا یک مرکز علمی در ایالات و ولایات داشته باشیم که از آنجا ها نیز فرشته معرفت وانوار علم با طراف سرایت کنند ولی تمام این ترتیبات را به عجله نمیشود انجام داد و بعقیده بنده این صد وسی هزار تومان که برای ایالات و ولایات تخصیص داده شده نسبت بسابق خیلی زیادتر است زیرا اگر بدقت پول-هایی را که با اسم مدارس ایالات و ولایات سابقاً داده می شد ملاحظه کنیم خواهیم دید که ثمت آنچه امروز تخصیص داده شده نیست در صورتیکه با همین مبلغی که کمسیون تصویب کرده در آتیه مدارس ایالات و ولایات زیادت و منظمتر خواهد شد و در خیلی نقاط که امروزه مدرسه وجود ندارد تأسیس خواهد کرد زیرا نسبت بمصارف سابق معارف ایالات و ولایات این مبلغ خیلی زیاد است.

این نکته را اساساً مرض می کنم که برای مدارس علاوه بر پول اسباب کار لازم است مثلا اول باید معلم پیدا کرد و بعد تهیه مدارس نمود و اگر عایدات دولت زیاد تر شود مضایقه در تأسیس مدارس نخواهد شد و انشاء الله دولت در سال آتیه که ترتیب اخذ مالیات منظم شود پیشنهادهای دیگری راجع بمدارس ایالات و ولایات خواهد نمود و انشاء الله با موافقت و مساعدتی که مجلس شورای ملی با اصلاحات معارف دارد این آرزو صورت عمل پیدا خواهد نمود

رئیس - چون جمعی از آقایان اجازه خواسته اند اگر مجلس موافق باشد چند دقیقه تنفس داده شود .

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید .

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده هم در دو قسمت ایننامه مغالط هستم که يك قسمت راجع بعقد تناسب بودجه ایالات و ولایات با مرکز است یا باید بودجه معارف را به تناسب مالیات ایالات و ولایات قائل شویم یعنی بهمان نسبت که يك نقطه مالیات میدهد بهمان نسبت مغارج برای معارف آنجا اختصاص داده شود .

مثلاً با این مالیات کزافی که اهالی کرمان میدهند فقط ماهی سیصد تومان برای مصارف معارف آنجا اختصاص داده شده و دو پایه باب مدرسه در کرمان هست که هیچ صورت مدرسه نداشته و حال رقت آوری دارد یکی دو باب مدرسه هم پایه اشخاص در کرمان ایجاد کرده اند و آنها هم بواسطه عدم توجه رؤسا متدرجاً از بین میرود .

قسمت دیگر عرض بنده راجع ببودجه اوقات است بعقیده بنده از بدو تأسیس اداره اوقات تابعال برای این مملکت جز ضرر هیچ چیز دیگری حاصل نشد رئیس معارف که از مرکز بولایات میروند عرض-

اینکه اوقات خود را صرف تنظیم مدارس بکنند تمام اوقات خود را صرف مداخله در اوقات میکنند و مبلغی با اسم جریمه و نیم عشر میگیرد و یکی بمدارس توجه نمی نماید و مدارس ایالات و ولایات روز بروز خراب تر میشود بنده در چند نقطه از ولایات دیده ام ابداً مدارس صورت خارجی ندارد و بنده تصور میکنم اگر وظایفی را که اداره اوقات عهده دار است از قبیل تشغیل تولیت و معاکمه را عهده دار شود و نظرات در وصول کردن عایدات موقوفات بمدلیه رجوع کنیم بهتر است زیرا رئیس محکم عهده می تواند تشخیص تولیت و معاکمه را عهده دار شود نظرات در رساندن عایدات اوقات بمصارف خودش محول به مدعی العموم بشود ثبت نوشتجات و وقف نامجات را هم به ثبت اسناد رجوع بکنیم لازم نیست يك مغارجی از بابت موقوفات بدولت تحویل شود و اگر يك مالیاتی هم برای موقوفات در مجلس وضع شد ممکن است اینها هم بمالیه رجوع کنیم بنابراین چون هیچ فائده از اداره اوقات امروزی حاصل نیست بنده عقیده دارم که بودجه اوقات را بمعارف تخصیص بدهیم و آنرا حذف کنیم تا هر رئیس معارفی که معین میشود تمام همش را صرف توسعه مدارس و تعلیم اطفال نماید تا معارف صورت خارجی پیدا کند .

وزیر معارف - فرمایش آقای حاج میرزا مرتضی راجع بدو مسئله است اولاً راجع بمدارس بنده عرض می کنم آنچه چیزی که امروزه بمدارس کرمان داده میشود ربطی با این مبلغی که امشب مذاکره میکنم ندارد این مبلغی که امروز صحبت میشود مزید بر آنچه تا بحال داده میشده خواهد بود .

مدارس کرمان هم روی هم رفته آنطوریکه بنده مسبوقم حالتش از جاهای دیگر بالنسبه بهتر است راجع ببودجه اوقات هم تصور میکنم مربوط با این نظریه که آقایان نیاشد زیرا بانظر مساعدت فوق العاده که آقایان نمایندگان بمسائل معارف دارند مسئله اوقات خیلی اهمیت دارد و بنده عقیده ندارم بکلی مجزی شود .

زیرا در قانون اساسی معارف با این مسئله خیلی اهمیت داده شده و تصور می کنم امروز این اظهار از روی معارف خواهی نیست و عقیده بنده اینست که مسئله اوقات خود برای پیشرفت امور معارف يك اسباب امیدواری است و شاید در آتیه بتوانیم از این راه متوجه با امور معارف بشویم .

رئیس - آقای حائری زاده مغالط هستید
حائری زاده - بلی
رئیس - بفرمائید
حائری زاده - اگر چه بیش از یکساعت نیست که این رایورت کمسیون بودجه را به بنده داده اندولی در کلیاتش عراض خود را میکنم و در جزئیاتش هنوز فکری نکرده ام . چند جمله در این لایحه ذکر شده که بعقیده بنده بر روی اساس صحیحی نیست یکی نسبت مغارج وزارتخانها با مغارج مدارس است

کمسیون بودجه یا تصد و نود هزار و کسری تومان بودجه کل معارف و اوقاف ر امین کرده و پنججاه و پنج هزار تومان مغارج وزارتخانه را معین میکند که تقریباً ده یک است در صورتیکه باید بیشتر از صد پنج مغارج وزارتخانه نباشد آنوقت صد و سی هزار تومان هم برای مصارف معارف ایالات و ولایات تخصیص داده شده و هجده هزار تومان هم برای دوائر آن در حالتیکه اساس وزارت معارف برای تحصیل اطفال است و وزارتخانه خود موضوعیتی ندارد وزارتخانه برای بکار انداختن مدارس نتیجه حاصل کردن از آنها است و چنانچه معتقد باصل بودجه وزارتخانه هم باشیم که پنججاه و پنج هزار تومان بودجه وزارتخانه معین شده دیگر هجده هزار تومان مغارج دوائر ولایات نباید باشد یکی هم تفاوت بودجه در مرکز و ولایات است و اینکه آقای مخیر فرمودند امروز ملل عالم باید این حرفها را کنار بگذارند بنده نمی توانم قبول کنم زیرا عدم تناسب بودجه در مرکز و ولایات را تعقیب می کنم اگر دولت بنظر تساوی بماند ملت ایران نگاه میکند همین شکلی که مغارج مملکتی را عامه ملت ایران می بردانند همین شکلی که قشون را عامه ملت ایران به تناسب جمعیت خود حاضر کرده و فداکاری می نمایند وقتی هم که مصارف مالیات معین شد و بعضی تأسیسات از قبیل مدارس و رمیضخانهها و عدلیه و غیره دایر گردید باید عامه مردم منتفع شوند بیست و نه کرور جمعیت ولایات و يك کرور جمعیت مرکز است اگر بودجه معارف ولایات بیست و نه برابر بودجه معارف مرکز نباشد اقلاً نصف مرکز که باشد خیلی جای تأسف است که ۲۴۲۳۴ تومان جمع کل مصارف مدارس مرکز است و ۱۴۸۴۴ تومان جمع کل مصارف معارف ولایات خیلی جای تعجب است که بیست و نه کرور جمعیت شریک نفع و ضرر بایک کرور مردم مرکز باشند و در تمام مسائل کمتر از اهالی مرکز قبول زحمت نکرده باشند ولی در چیز های مفیده از قبیل مدارس و رمیضخانهها و غیره ثمت این يك کرور منتفع شوند چون دولت تناسب را مراعات نکرده این مذاکرات تولید شده و از آنطرف در مرکز اشخاصی بوده اند که در این باب دادر فریاد کرده اند حق السکوت با آنها داده شد ، ولی از طرف ولایات کسی نبود داد و فریاد و آن تریک کند حق السکوت بولایات داده شده و همین ترتیب مانده است بنابراین بنده با این اصل مغالط و مقصود ما تحصیل عامه مردم است چه شیرازی باشد چه کرمانی چه طهرانی زیرا بنای اهالی ولایات از انتفاع این تأسیسات محروم باشند .

برای مدارس شهر طهران از ابتدائی و متوسطه ۲۴۳۸۲۳ تومان تخصیص داده شده برای تمام ولایات ۱۳۰ هزار تومان و این خیلی بی تناسب است و بعلاوه خیلی چیزهای دیگر هم هست که در ولایات نیست مثلاً میتوان گفت که چون عایدات مملکت هنوز وسعتی پیدا نکرده نمی توانیم در تمام ولایات مدارس عالیه تأسیس کنیم ولی يك قلم اعانه است که بمدارس خارجه داده میشود آیا این مدارس خارجه مطیع پروگرام وزارت معارف هستند یا خیر . اگر هستند خوب است بآنها کمک

شود ولی آنچه بنده می شنوم مطابق پروگرام وزارت معارف عمل نمی کنند مثلا مدرسه امریکائی از حیث تعطیل و تحصیلات هیچوجه مطیع پروگرام وزارت معارف نیست و بنده اینرا يك چیز متناسبی تصور نمی-کنم که بمدارسی که مطیع پروگرام وزارت معارف نیستند اعانه داده شود و عجالتاً بیش از این عرضی ندارم

وزیر معارف - گمان می کنم قسمت اول فرمایشات آقای حائری زاده را بنده قبلاً توضیح داده ام و تکرار مطلب خواهد شد در مسئله بودجه مدارس هم عرض کردم باین سوازل دیگر را برای ولایات فراهم کرد و عقیده بنده این است که هر قدر معارف در مرکز ترقی کند با طراف سرایت خواهد نمود و بودجه مرکز باید طبعاً نسبت با طراف بیشتر باشد زیرا خیلی تأسیسات معارفی است که باید ابتداء در مرکز دایر شود و بعد سایر جاها سرایت کند این چیزی نیست که لازم باشد زیاد باشد ولی در این قسمت آخر که راجع بکمک بمدارس خارجه بود فرمودند البته مطیع وزارت معارف هستند و اعانه که بآنها داده می شود بصره و صلاح جوانان ایرانی است و خود ما از آنها استفاده می کنیم حالا اگر اسباب کار آنها فراهم تر است و البته خارجه را بهتر درس میدهند ضرری ندارد در هر حال کمکی که بآنها می کنیم خود ما منتفع می شویم .

رئیس - آقای مستشار السلطنه موافقتید ؟
مستشار السلطنه - بلی
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد موافقتید یا مغالط ؟
حاج میرزا علی محمد - مغالط
رئیس - بفرمائید
حاج میرزا علی محمد - يك قسمت عایدات مملکت ما اختصاص بمعارف دارد از قبیل تومانی يك عباسی و خرواری يك قران و امثال آن در اینصورت این مبلغ را کم میدهند اگر حساب بکنیم تقریباً ۳۰۰ هزار تومان میشود
مخبر - چند ؟
حاج میرزا علی محمد تقریباً سیصد هزار تومان معین کرده اند
مخبر - خیر اینطور نیست
حاج میرزا علی محمد - گویا همینقدر باشد و قسمت بیشتری یعنی تقریباً چهار خمس این عایدات را ولایات می دهند و يك خمس آنرا در مرکز و باید این نکته را ملاحظه کرد که پولی که از ولایات دریافت می شود نقل به مرکز نمیدهند یعنی لااقل همان پولی که گرفته می شود در همان مجلس بمصرف معارف برسد از این جهت بنده با آقای حائری زاده و سایر آقایان موافقم زیرا می بینم تناسب منظور نشده این از يك جهت که با آقایان موافق و با رایورت مغالط . یکی دیگر اینکه در دو ماده رایورت مبلغی برای کمک به معصیلین بی بضاعت می نویسد از طرف دولت پنج هزار تومان برای معصیلین داخله نوشته شده و تقریباً سه هزار توان از این مبلغ را کمسیون کسر کرده با این

ملاحظه که معصیلین هستند که استطاعت دارند و استطاعت ندارند در صورتیکه خیلی از جوانها تحصیل کرده اند و استطاعت ندارند تحصیلات خود را تمام کنند وزارت معارف باید يك کمکهایی به آنها بنماید و بعقیده بنده پنج هزار تومان آنقدر زیاد نیست که سه هزار تومان از آن کسر شود و بدو هزار را دو هزار و هفتصد تومان برسد و اما آن قسمتی هم که راجع بکمک بمعصیلین خارجه معین شده البته احتمال می رود در میان معصیلین خارجه اشخاص با استطاعتی باشند از قبیل پسرهای شاهرزادگان و حکام ولایات و غیره و باید حقوق آنها حذف شود و باید پدرها بشان بدهند ولی اشخاصی هستند که بی بضاعتند و باید از طرف دولت کمک شود زیرا پدرهاشان نمی-توانند آنها را برای تکمیل علوم در خارجه نگاه بندارند و مجبور هستند با تحصیل ناقص آنها را مراجعت دهند با بعضی خود واگذارند با این جهت تصور میکنم نسبت با این اشخاص که استطاعت ندارند آن اصل مجزی شود زیرا اگر این مبلغ حذف شود نتیجه این می شود که آنطور اشخاص بدون تحصیل نتیجه در خارجه ماندنی تلف میشوند - آقای حاج میرزا علی محمد در خصوص مالیات و حقوقی که از ولایات گرفته میشود شرحی فرمودند و چون هر پولی و لوازشکه از مردم گرفته شود اگر از تصویب مجلس نگذشته باشد ما در این مجلس نمیتوانیم اسم مالیات بر روی آن بگذاریم با این ملاحظه منتظر بودم همکاری محترم این مسئله را متذکر شوند ، ثانیاً مطابق صورتهای موجوده ووجهی که از مردم گرفته شده تقریباً با این صد و سی هزار تومان تعادل میکند ولی مطابق اطلاعاتی که در کمسیون بودجه حاصل شد نصف بلکه ثمت این مبلغ هم عاید دولت نشده حالا اگر تفریط شده یا از مردم گرفته نشده این مربوط بقرابکاری های دیگری است که باید اصلاح شود ولی راجع باین دو قلم ۱۸۴۴۰ تومان و صد و سی هزار تومان نظر کمسیون این بود که دولت از عواطف مملکتی برای مصارف معارف بپردازد حالا اگر دولت صلاح بدانند يك تحلیاتی با اهالی بشود البته پیشنهاد خواهد کرد و مجلس در صورت اقتضا تصویب خواهد نمود و اما آن قسمتی که راجع بحذف و کسر حقوق معصیلین داخلی و خارجی فرمودند کمسیون بودجه هم همین نظر نماینده محترم را تعقیب کرد و خواست ببیند این کمک ها از نقطه نظر استحقاق و کمک بیک معصیلینی که وسائل زندگانی ندارند نداداده میشود یا بواسطه نظریات دیگری است پس از آنکه بصورتهای جزء رسیدگی و مراجعہ کرد راجع بمعصیلین داخله يك قلم دو هزار و هفتصد تومان بود که کمسیون تصویب کرد و این اعتباری بود که وزارت معارف داشت و بعضی از شاگردان بی بضاعتی که میخواهند در مدارس مجانی ابتدائی بروند و تحصیل کنند بوسله آن اعتبار کمک می میکرد که از حیث اعانه راحت باشند این دو هزار و هفتصد تومان را کمسیون بودجه تصویب کرد و يك راهنمایی های دیگری هم شد که خوب است وزارت معارف برای آتیه یا در ضمن

جریان بودجه در نظر بگیرد دوسه مدرسه شبانه روزی تأسیس کند که در آنجا اطفال بی بضاعت را ببرند علاوه بر مغارج تحصیل شام و نهار و لباس آنها را متکفل شوند این پیش بینی ها شده ولی ارقام دیگری که حذف شده مربوط با اشخاص بی بضاعت نبود بلکه راجع بیک قسمت اشخاص بود که با اینکه میتوانند اعانه اولاد خودشانرا تکفل کنند و مستخدم و داخل حقوق بگیرها هستند یا اگر هم نیستند دولت بخواهد به آنها این رعایت را بکند نوع شهریه یا انعام به آنها بدهد باید با اسم دیگری بکند با این متناسب از بودجه معارف حذف شد چون دولت با یستی سعی در تأسیس مدارس مجانی نماید و تعلیمات مجانی را در مملکت رواج بدهد و همانطور که عرض کردم یکمده مدارس شبانه روزی بطور مجانی برای ایتم و فقره تأسیس کند ولی این دیگر تکلیف دولت نیست که هر کس می-خواهد تحصیل کند دولت يك حقوقی باو بدهد زیرا اگر دولت بخواهد اینکار را بکند گمان میکنم بودجه وزارت معارف لایتهای میشود زیرا هر کس بمناسبتی کمک خرچی میخواهد حالا اگر آقایان لازم بدانند و تقاضا کنند اسامی آنها را میخوانیم ولی روی هم رفته در کمسیون بودجه چیزی که راجع بکمک معاش معصیلین بی بضاعت باشد همین که هزار و هفتصد تومان بوده که ایفا گردید و ما بقی نظر باینکه با اسم و رسم به بعضی اشخاص داده می شود که قادر با اعانه و تحصیل هستند و اگر هم نیستند و استحقاق دارند باید از نقطه نظر بیاضیون و شهریه در موقع دیگر به آنها رعایت کند حذف شد و اما در مورد معصیلین خارجه ممکن است دولت در يك موقعی تصمصم بگیرد و برای تکمیل تحصیلات عالیه يك ترتیب اساسی اتخاذ کند که یکمده شاگرد که دوره ابتدائی و متوسطه را طی کرده باشند برای تکمیل تحصیلات بخارجه بفرستند و این بنظرم مرجح است مخصوصاً عهده هم که میروند باید تحصیلات فنی نمایند ولی در این خصوص باید اصول مرتبی اتخاذ شود اما ما که بصورت نگاه کردم دیدیم سه چهار قلم حقوق با اسم ظاهر و معلوم برای يك اشخاص بدون استحقاق معین شده البته تصدیق مینمایم وظیفه کمسیون بودجه است آنرا حذف کند و شاید نسبت به بعضی هم حقیقتاً لازم باشد ولی باید در قسمت شهریه ها که بعد بمجلس خواهد آمد و کمسیون بودجه هم مشغول مطالعات در آن خواهد شد يك حقوق در حق آنها بر قرار شود ولی این مسئله مربوط بودجه معارف نخواهد بود و اگر آقایان لازم بدانند بنده حاضر ام اسامی آنها را بخوانم که خودشان مسبوق شوند

رئیس - آقای سلیمان میرزا مغالفت ؟
سلیمان میرزا - بلی
رئیس - بفرمائید
سلیمان میرزا - گمان میکنم این مسئله را میخواهم عرض کنم فقط نظریات شخص بنده نباشد بلکه مطابق نظریات تمام و کلا و همکاران محترم من باشد آمال و آرزوی تمام نمایندگان این است که تحصیلات در مملکت اجباری و مجانی باشد و گمان میکنم در

این مسئله مغالطی نباشد زیرا ایگانه وسیله به حصول استقلال که لاینقطع می بینیم این لغت از پشت کرسی خطابه با یرتاب میشود معارف استالیه قشون هم یکی از وسائل استقلال است لکن قشون بی علم هیچ ببرد نمی خورد.

قشون بی علم که نداند وطن او چه چیز است استقلال خود را هم نمی فهمد و اساساً اسباب خرابی مملکت میشود پس باید سعی کنیم قشون ما با علم باشد و استقلال ما را حفظ کند اگر بخوایم استقلال ما محفوظ بماند باید مدرسه داشته باشیم امروز صاف و ساده می توان گفت نامدارس یولی است مخصوص اطفال اعیان است زیرا آنها می توانند شهری به بهندم آن فقیر بیچاره وصله و کارگر که بقعیده بنده میلی وفور دارد و تمام زندگانی ما بسته بوجود او است و در مطبوعه از برای حروف چینی کور می شود یا دیگری که صبح سحر بر میخیزد و از برای ممان تهیه میکند و ما در خواب نازدراحت کرده ایم از کجا چه اش را تربیت کند یک اجرتی باومی دهند که قوت لایوت است نه بدل مایحتاج.

این شخص از کجا این پول را پیدا کند؟ ما تا وقتی مدارس مجانی نداشته باشیم همیشه معارف را منحصر به آقایان پولدار کرده ایم و آقایان پولدار بچه خود را در مدرسه می گذارند بدبخت فقراء یعنی قسمت عمده از مملکت از ترقی محروم مانده اند البته آقایان در نظرشان هست و آن زمان استبداد بود و ناصر الدین شاه مدرسه منحصر به دارالفنون بود آنهم مال شاهزادگان و خانواده های اعیان بود و اگر حساب بفرمائید صدی هشتاد از شاگردان دارالفنون شاهزاده یا از اعیان هستند امروز هم که می خواهیم امتیاز فضلی داشته باشیم باز همان قسمت و همان طبقه استفاده خواهند نمود.

آیا امروز در تمام مملکت یک بچه کارگروعمله بیچاره روی کار آمده؟ خیر آن بدبخت بیچاره در آن زوایا بدون اینکه رعایت حفظ الصحه اش شده باشد مانده و ترقی نکرده مثل اینکه خدای نخواست از نوع بشر خارج است چرا خارج است؟ برای اینکه خیانت نمیکند و خادم واقعی است و شبانه روز کار میکند و چون بی صداست و هنوز پی به حقوق خودش نبوده حقوق او را پایمال میکنیم در دوره دوم می گفتیم باید حمایت رنجبر دم کرات کارگر را کرد وقتی هم قانون انتخابات را از مجلس گذرانیم خواستیم طوری بنمائیم که یک وکیل رنجبر و کارگر هم در اینجا باشد خوب است آقایان با ذره بین نگاه کنند و به بینند کدام یکی از ما رعیت و کارگر هستیم.

آیا یک وکیل کارگر که از جنس موکلسین خود باشد و صدمات او را دیده باشد در اینجا هست یا غیر خود بنده هم که اینجا از طرف آنها حرف می زوم از آن نوع نیستیم و سکلام باید حفظ حقوق مملکت را بکنند.

همه ملاحظه بفرمائید که در دنیا همیشه معامله کارگر کارفرما در کشا کش و زدو خورد است وقتی

بخوانند مالیات وضع کنند وقتی اکثریت و کلاهی با پارک دارها و میل دارها باشد مالیات برای پارک و میل در مجلس ما وضع نمی شود بجهت اینکه بر ضرر اکثریت یا اتفاق ما است اگر وقتی کسی خواست برای منافع آن بدبخت مدرسه باز کند تاسیس مدارس مجانی هیچوقت تصویب نمی شود زیرا طرفدارش کم است و هیچوقت بچه های کارگر بدبخت ترقی نمی کنند و همیشه متمولین می خواهند فقرا را در زیر اوامر خودشان نگاهدارند زیرا حاکم هستند شاه هستند اعیان شاهزاده یا والی هستند یا بقول آقای زنجانی یک مملکت را بیک شخصی می دهند و نظر باینکه ایشان خان یا شاهزاده هستند در یک نقطه بزرگتر از یک مملکت اروپا فرمانفرما هستند باز هم که شان است.

خداوند در قرآن می فرماید قال لجهنم هل (مثلت) از جهنم شوال میکند سیر شدی میگوید هل من مزید یعنی سیر نشدم زیاد تر بدیده بقول آقای زنجانی اگر از فلان آقا بپرسند آقای فلان آذربایجان برای شما کافی است می گوید خمه را هم اگر ممکن است تا قرصین و فلان جاضیمه کنید تا من بروم. بلی حضرت اشرف اقدس والی فلان ایالت لاینقطع پول جمع می کند.

لاینقطع بدون فوت وقت جیب خود را بر میزند در اینصورت این بدبخت فقیر چه طور میتواند حفظ حقوق خود را بکند. اگر چه قانون انتخابات بصره فقراء وضع شده ولی مهمان یک نفر وکیل رعایا و فقراء در این جا نیست این بدبختها حفظ حقوق خود را در کجا باید بکنند مرکز حفظ حقوق فقراء مجلس است ولی اکنون جای آن فقیر خالی است پس حفظ حقوق موکلین بمیل ماها است اگر خواستیم مفصلاً یک کلمه راجع بکارگر حرف بزنیم و اگر نخواستیم آن بیچاره حروف چین و بقال و حمال نه مدرسه میخواهد نه تحصیل نموده نمود باله جزو بشر نیست.

بنده میخواهم ببینم در این لایحه برای آن بد بختها چه فکری شده چه از اول تا بحال راجع بمعارف صحبت شد گوش کردم تمام صحبت ها در این است که بودجه مرکز و ولایات متناسب نیست ولی هیچکس صحبت نمی کند که در مرکز یا در ولایات قدری فقراء از آن استفاده کنند کجا است؟ آنها که متولند و سوار اتومبیل میشوند می توانند بچه هاشان را به اروپا بفرستند چنانکه می فرستند و برای بچه خود در طهران میتوانند هزار قسم خرج کنند چنانکه میکنند مدرسه هم که باز می شود باز برای آنها است.

بنده مخالف نیستم که مدرسه برای آنها باشد ولی برای فقراء بدبخت هم باید فکری کرد. یک شبی عرض کردم حکومت مذهب قانون تمام برای حفظ حقوق فقراء است والا اشخاص بزرگ حقوقشان را حفظ می کنند. روح قوانین آسمانی هم برای حفظ و حمایت مظلوم است چنانچه هیچ در قرآن حمایت قوم ظالم نیست همه جا می فرماید لعنت الله علی القوم

الظالمین. یک نکت قرآن بدگویی ظالمان است و تمام این تشکیلات که در دنیا هست خواه مذهباً خواه قانوناً اساساً نه عقیده بنده (یا بقول آقایان به فتوای بنده اما چون فتوی راجع بمسائل شرعی است بنده عرض می کنم بقعیده بنده باید بصرفه فقراء وضعاً باشد و اگر یک قانون بر ضرر زبردستان دیده شد معتقد غلط و بی اساس و بی فایده است - حالا می آیم سر مدرسه آقایان از ولایات گفتگو میکنند بنده مکررمی گویم ای کش میفرمودند مدارس طهران هم کم است زیرا برای جمعیت طهران این مقدار مدرسه کم است (حاج شیخ اسدالله همه همینطور گفتند)

سالمه ایام میرزا - البته همینطور فرمودند نظر هیچکدام از آقایان این نیست که از بودجه معارف طهران کم بشود بلکه نظر آقایان مطلقاً همین است که در تمام نقاط چند قدم بطرف تحصیل اجباری مجانی برداریم.

تا بکروزی آن بچه فقیر کارگر هم معترم باشد نه اینکه اگر آقا زاده وارد خانه من شد لباسش نواست بنده تادرب خانه استقبالش بروم اما اگر بیچاره فقیر بود توی اطراق راهش ندم مثل اینکه ننگ من است در صورتیکه این بیچاره مذهباً نژاداً اخلاقاً نوع من است و بهتر از آن شخص متعول است زیرا ضررش نه به مملکت و نه بجای دیگر وارد می آید و هیچوقت نخواسته است مملکت را مالک شود و از هر حیث فقیر است پیغمبر سر می فرماید انا مسکین جالس المساکین هیچوقت نفرموده انا اعیان جالس الاعیان که بنده این جمع اعیان چه میشود.

حقوق این بیچاره مسکین و فقیر مطابق این مسئله مذهبی هیچ رعایت نمیشود و همانطور که عرض کردم از درب کوچک هم راهش نمیدهند همینطور امروزه از بابات مدرسه هم بقفراء ظلم میشود. بنده از آقایان تقاضای کنم که یا در مرکز یا در ولایات قدری بمدارس فقراء بیفزایند در دوره دوم در یازده سال قبل مجلس رأی داد که پنچ باب مدرسه ابتدائی در طهران باز شود که سالی هزار دو دست و پنجاه تومان مخارج او باشد و مبلغی بر مدارس طهران افزودند در ولایات که شیراز و تبریز و مشهد و کرمان باشد هر کدام یک مدرسه ابتدائی ماهی دو دست تومان ماهی هشتصد تومان بودجه بیدار کرد. آیا ما در دوره چهارم چقدر می خواهیم بمعارفمان اضافه کنیم؟ پس از گفتگو و صحبت های گذشته و حالیه فقط اصلاحی که شده از بودجه مدارس کم نشده ولی چیزی که هست اضافه هم نشده بدبختانه یا خوش بختانه نظام نام داخلی هم اجازه پیشنهاد اضافه کردن بنده نمیدهد که بنده پیشنهاد کنم فلان مبلغ بر بودجه معارف بیفزائید ولی آقای مخبر یک چیزی راجع بوضع مالیات فرمودند که بنده هم موافقم فقط یک مختصر اختلافی هست و آن این است که باید مجلس یک مالیاتی وضع کند اما بر متمولین.

نصرت الدوله - بنده هم همینطور گفتم **سالمه ایام میرزا** - بسیار خوب پس با یکدیگر

هم عقیده هستیم که یک مالیاتی بر پولدار ها بیندیم. البته هیئت دولت هم موافقت خواهند کرد که از آنها بی که پول دارند بگیریم و خرج فقراء بکنیم. چون مطابق انصاف نیست که آنها صرف تجمل خودشان بکنند و شرعاً هم رد مظالم است که از آنها بگیرند و بقفراء بندهم ذکوة هم مال فقراء است والا آنکه صد هزار تومان دارد هیچ محتاج نیست که ده هزار تومان هم از رعیت بدبخت بگیرد که صد و ده هزار تومان داشته باشد و بعد از آنکه مرد بچه هایش مابین شان اختلاف حاصل شود.

پس خراب است حالا که شاهزاده نصرت الدوله هم باینده موافق هستند بیاییم و یک لایحه پیشنهاد کنیم (سایرین هم البته موافق هستند) که در آن لایحه مالیاتی برقرار کنیم و تمام آن مالیات هم تحویل بر متمولین و اشخاص خیلی متعول مملکت بشود و کلیه عایدی آن صرف تاسیس مدارس مجانی برای فقراء بشود. بلی بنده هم موافقم هستم که پولدارها هم باید تحصیل کنند و ترقی نمایند ولی چون مسائل تحصیل همه قسم برای آنها فراهم است باید بقفراء بیشتر اهمیت داد و آنها را داخل کار نمود زیرا از طرفی بنده متقدم که بایستی کم کم فقراء را بالا آورد و ترقی داد آنها هم حق دارند در این مجلس بنشینند و رأی بدهند پس بنا بر این باید این مالیات را از متمولین دریافت داشته و صرف تحصیل فقراء نمود و طوری باشد که در این مدارس فقط اطفال فقراء پذیرفته شوند تا ما هم در دوره چهارم مطابق قسمی که یاد نموده ایم حفظ حقوق مجلس را نموده و بوظیفه واقعی خودمان که ترقی معارف مملکت باشد عمل نموده باشیم.

اما راجع بقفرا میباشی که آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی فرمودند که در بودجه پیشنهادی وزارت معارف مبلغ (۵۰۲۰) تومان برای کمک معاش بمحصلین بی بضاعت پیش بینی شده و چون مبلغی از آن کسر شده این مقدار کفایت نمیکند صحیح است ولی ممکن است در مملکت ما باز اغنیاء بعضی فقرا با توصیه و توسطه از این مبلغ استفاده نمایند چنانکه من هم که وکیل هستم و ماهی دو دست تومان حقوق میگیرم و عنوانم حضرت والا است اگر یک برادرزاده داشته باشم او را با هزار توصیه و توسطه بمدرسه مجانی می سپارم که مجاناً در آنجا تحصیل نماید ولی اگر یک قدری دقت کنیم این نوع کارها (اگر چه عبارتش بسیار تهمت است) یک قسم دزدی و سرقتی است که از حقوق فقراء میشود زیرا اگر من که وسیله تربیت اولادم را دارم او را بمدرسه مجانی که از برای فقراء تاسیس شده بفرستم از حق فقیر دیگری دزدی نموده ام باری یک قسمت از این مبلغ پیشنهادی وزارت معارف را کمسیون بودجه حذف نموده و بنده از یک نقطه نظر با حذف قسمتی از آنان با کمسیون بودجه موافقم زیرا شاید یک قسمت زیادی از آن بعنوان مدرعاش باشغاص داده میشده است که ابتدا احتیاج بآن نداشته اند ولی از نقطه نظر دیگری مخالفم و جهت آن این است که لازمه رسیدن این پول بقفراء

این نیست که ما آن را از بودجه حذف کنیم مگر در مملکت ما فقیر نیست ؟ ممکن است این مبلغ را بسایر اطفال فقراء بپردازند و این (۲۳۲۰) تومانی را که کمسیون بودجه حذف نموده تصویب نمایند که با اطفال فقراء داده شود تا باندازه دوهزار تومان فقرا یش بروند و ترقی کنند.

و چون بدبختانه در این موقع نیز نظامنامه داخلی مانع از این است که بنده پیشنهاد نمایم این مبلغ ۲۳۲۰ تومان اضافه شود و تمام (۵۰۲۰) تومان را تصویب نمایند که برای کمک معاش بمحصلین بی بضاعت مصرف گردد بنده کاملاً جستجو نمودم به بینم ماده دیگری هست که بطریق دیگری راهحلی پیدا شود خوشوقتانه ماده ۹۹ می گوید در مسائل و مواردی که متحمل بر فقرات مختلفه است اگر تجزیه آن ولو از طرف یک نفر نمایند خواسته شود باید آن صرف تاسیس مدارس مجانی برای فقراء بشود. بلی بنده هم موافقم هستم که پولدارها هم باید تحصیل کنند و ترقی نمایند ولی چون مسائل تحصیل همه قسم برای آنها فراهم است باید بقفراء بیشتر اهمیت داد و آنها را داخل کار نمود زیرا از طرفی بنده متقدم که بایستی کم کم فقراء را بالا آورد و ترقی داد آنها هم حق دارند در این مجلس بنشینند و رأی بدهند پس بنا بر این باید در مجموع قسمت هائی که قبول شده است رأی گرفته شود.

بنا بر این بنده در نزد خود راه حل این قضیه را باین طریق فکر نموده ام و برای اینکه بتوانیم این مبلغ (۲۳۲۰) تومان را بعنوان کمک و مدد معاش به فقراء تخصیص بدهیم این طور خیال کردم که بموجب همین ماده در موقع اخذ رأی نسبت به بودجه معارف از آقای رئیس درخواست کنم که این ماده را جزء بجزیه نموده و در هر یک جدا گانه رأی گرفته شود و موقنی که باین قسمت رسیده اید آقایان هم همراهی نمایند که به پیشنهاد کمسیون بودجه رأی بدهیم و بعد از آنکه پیشنهاد کمسیون بودجه رد شد طلباً پیشنهاد دولت تصویب خواهد و بالتبجیه تمام ۵۰۲۰ تومان برای تحصیل فقراء تخصیص داده خواهد شد.

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی و آقای نظام الدوله مخالفند؟

نظام الدوله - بنده در یک قسمت توضیحی می خواهم

رئیس - آقای تدین مخالفند؟

قدین - بلی بنده مخالفم

رئیس - آقای حاجی شیخ اسدالله موافقت

حاجی شیخ اسدالله - بلی موافقم

رئیس - بفرمائید.

حاجی شیخ اسدالله - یک سلسله مذاکراتی در اطراف بودجه معارف تا بحال از طرف هر یک از نمایندگان ایراد شده و هر یک از آقایان يك فرمایشی فرمودند که تمام صحیح و متین بود یکی از آقایان فرمودند باید یک مالیاتی بر سرمایه و دارائی اشخاص بسته شود و عایدات آن صرف تعلیمات عمومی و مجانی فقراء گردد بنده هم با این مسئله مخالفم چنانکه اگر

قانون شرح مقدس هم اجراء شده بود این نظر که ایلا مراعات شده بود زیرا از برای زراعت برای منافع تجارت و بالاخره برای تمام منافع حقوقی برقرار نموده و متأسفانه بهیچ يك از آنها عمل نمی شود و در بویه اجمال مانده باری بنده با راپورت کمسیون بودجه قسمت های عمده این راپورت رأی داده ام ولی فعلاً برای اینکه موکلین بنده هم از بنده خوشوقت شوند لازم می دانم موافقت خودم را با این راپورت بعرض نمایندگان معترم برسانم

راجع به قسمتی که در خصوص عدم مراعات تناسب بین مرکز و ولایات مذاکره شده بنده هم موافقم و عرض می کنم که نسبت با اهالی سایر ولایات و خصوصاً نسبت بزاهدین و دقایق که برخلاف عقیده شاهزاده سلیمان میرزا بنده یکی از آنها هستم و متأسفانه بطهران آمدن و ساکن مرکز شده چرا این ظلم شده ؟ برای تسامح و غفلت و سهل انگاری سابقین که هر وقت میخواستند یک تاسیسات عمومی بنمایند فقط نقطه نظرشان بر مرکز بوده بلی بنده هم معتقد هستم که مرکزیک تخصیصات از قبیل دارالفنون و ادارات و وزارت خانه ها بایستی داشته باشد ولی تاسیسات عمومی را نمی توان اختصاص بر مرکز داد و تاسیسات عمومی همان معارف است و قسمت عمده معارف هم تحصیل بزبان فارسی است.

ما فقط می خواهیم اهالی ولایات زبان فارسی را بنویسند و بخوانند و بفهمند ولی بدبختانه هر موقع که تاسیس مدرسه نموده اند فقط همشان مصروف به این بود که در تهران مدارس زیاد موجود باشد تصدیق می فرمائید که اهالی تهران نسبت با اهالی فراه و قصباب و ایالات بیشتر قادر باین هستند که اطفال خودشان را سرمایه خودشان به تحصیل بگذارند معذک هر وقت بفرستیم معارف افتاده اند منحصر بطهران بوده ولایات بکلی فراموش شده اند

البته آقایان هم بامن هم عقیده هستند که بایستی تمام ملت ایران بیدار بشوند و در دهات و قصباب دهاقینی که اداره مملکت بتفلیخ خود آنها میگردد بیدار شوند و حقوق خود پی ببرند

چون ممکن است بگوئید برای اینکه تمام سرمایه داران در تهران اجتماع نموده اند وقتی هم که تاسیسات عمومی بایستی بشود آنها تخصیص به خود میدهند و سایر ولایات بکلی از این نعمت محرومند.

این بود که کمسیون بودجه یکصد و چهار هزار تومان و کسری برای تاسیس مدارس در ولایات تصویب نمود و گفتیم که بایستی از اصل مالیات این مبلغ برای مدارس تخصیص داده شود و اگر درست دقت نمایم خواهیم دید که این مقدار نسبت ببودجه سابق نسبتاً خیلی زیادتر بود و ممکن است مدارس ناقصی که امروز موجود است تکمیل شود و اما راجع باینکه آقای وزیر معارف فرمودند فعلاً بیش از این وسائل توسعه معارف در دهات و فراه و قصباب و ولایات

موجود نیست بنده خیلی تعجب می کنم مثل این است که ایشان تصور فرمودند برای تدوین زبان فارسی و تحصیلات ابتدائی يك کارخانه لازم است تأسیس شود خوب است آقای وزیر معارف بدانند که موکلین ما فعلا در قراء و قصبات بیش از تحصیل زبان فارسی چیزی نمی خواهند و ممکن است در هر يك مکتب خانه نه مدرسه باز کنند و چند نفر که سواد فارسی داشته باشند آنجا بنشانند که اطفال قراء و رعایا رامندت دو سال درس فارسی بدهند و همینقدر آنها را بزران و خط خودشان آشنا نمایند و گمان می کنم این ترتیب يك مشکلاتی برای دولت ایجاد نکند فقط چیزی که ما در کمیسیون بودجه فهمیدیم و خود آقای وزیر معارف هم تصدیق کردند این بود که سابق بر این يك بودجه مرتبی برای مدارس ولایات موجود نبوده و حالیه باین بودجه عجلتاً می توانیم در هر شهری چند مدرسه ابتدائی و برای خاطر حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا برای فقراء تأسیس نمائیم و فعلا هم این مقدار کافی است و اگر می خواستیم مثلا سه چهار میلیون برای معارف تخصیص بدهیم اولاً بواسطه کمی عایدات ممکن نبود و ثانیاً خود وزارت معارف اظهار عجز می کرد که نمی شود يك مرتبه باین نسبت در تمام ایران مدرسه تأسیس نمود و لکن با بودجه مصوبه کمیسیون بودجه ممکن است در هر يك از ایالات و ولایات و در بعضی قراء و قصبات شروع بتأسیس مدرسه نمایند و تأسیس مدرسه هم در قراء و قصبات چندین اشکالی ندارد زیرا فقط يك یا دو معلم در يك معلى می نشینند و اطفال قراء و رعایا را جمع آوری نموده و به آنها زبان ملی خودشان را می آموزند تا آنها همینقدر بتوانند زبان فارسی را بنویسند و بخوانند و این هم اشکالی نخواهد داشت تا شاید انشاء الله بعدها بتوانیم در تمام قراء و قصبات مدارس ابتدائی با کلاسهای مرتب مطابق پرگرام رسمی وزارت معارف تأسیس نمائیم و لکن حالیه وزارت معارف باید بدانند که با این بودجه فعلی می توانند در اغلب قصبات يك مکتب مختصری تأسیس نیند

ولی البته باید مراعات حفظ الصبه در آنهاجا کاملاً بشود. بنابراین مقدمات بنده دیگر فرمایش حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا را که میفرمایند در این بودجه رعایت حال فقرا و ضعیفا نشده هر چه فکر می کنم نمی فهمم زیرا بنده نمی دانم اگر باین ترتیب رعایت حال فقرا نشده باشد بچه ترتیب خواهد شد؟

اگر چه نقطه نظر بنده نسبت بتأمین اهالی مملکت است ولی نقطه نظر خصوصی من به موکلین خود با اهالی ولایات است.

اگر چه شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند ما وکیل تمام ملت ایران هستیم ولی بنده عرض میکنم باین حال اقلاً ما باید يك قدری هم منافع موکلین خود را در نظر بگیریم و عقیده بنده این است که موکلین ما در قراء و قصبات (اضعاف از اهالی) تهران هستند بنابراین بایستی بیشتر از اهالی طهران از آنها حمایت

نمود. حضرت والا همیشه میفرمایند مراعات حال فقراء نشده بنده نمیدانم چه طور باید مراعات حال فقراى طهران بشود آیا مدارس مجانی در طهران تأسیس نشده است؟ بلی اگر میفرمائید اهالی را مجبور نمایند که اولاد خودشانرا به مدارس بفرستند بنده هم باشما موافقم ولی آنهم عملیاتی لازم دارد و باین حال در این شهر جلوگیری از تحصیل فقراء نشده بلکه دولت تمام مدارس ابتدائی را مجانی نموده است و بعلاوه مقداری مدارس متوسطه تأسیس نموده در این شهر سی و دو باب یا بیشتر مدرسه ابتدائی مجانی تأسیس شده و اگر مراجعه به آن مدارس بفرمائید ملاحظه خواهید نمود که هنوز بقدر کفایت شاگرد ندارد مثلا طفل خود بنده مدرسه که می رود بنده تحقیق نموده ام در آن مدرسه بقدر کافی شاگرد ندارد

بنابراین بنده با آن قسمتی که فرمودند اجباری باشد موافقم و باید وسائل تهیه نمود که تحصیلات اجباری باشد.

ولی با قسمتی که فرمودند رعایت حال فقراء نشده بنده بکلی مخالفم زیرا در هیچ جای دنیا مرسوم نیست دولت بودجه مدارس متوسطه را بپردازد در صورتیکه مادر کمیسیون تصویب نمودیم بعضی از مدارس متوسطه هم مجانی باشد حالا باید علاوه بر این برای رعایت حال فقراى طهران چه اقدامی باید کرد؟ خوب است حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا همانطور که اظهار غم خواری و دل سوزی برای فقراى طهران میفرمائید بفقراى سایر ولایات هم توجهی بفرمائید زیرا اطفال ولایات خیلی مظلوم تر از اطفال طهران هستند و همانطور که عرض کردم تمام ادارات این مملکت از یرتو وجود زارع اداره میشود اگر زارع نداشته باشیم هیچ نخواهیم داشت زیرا کار خانه نداریم معادن ما هنوز در زیر خاک مستور مانده.

بنابراین باید عطف توجهی بحال آن زارع بفرمایند که حیوة مادر دست اوست شما همیشه میفرمائید ای بیوگانان طهران ای فقراى طهران در صورتیکه تمام اهالی ایران فقیر هستند و باید مراعات آنها هم بشود آنها هم متکب خانه لازم دارند این است که بنده نظریات بعضی از آقایان را تأیید میکنم که در این بودجه ابدأ تناسب باین بودجه معارف طهران و سایر ولایات ملحوظ نشده و این بودجه هم که برای ولایات تصویب شده از روی اضطرار بوده و قدم ابتدائی بوده که در راه معارف برداشته شده و بیش از این ممکن نبود در قراء و قصبات مدرسه تأسیس شود ولی باین حال و با وجود عدم رعایت تناسب بین بودجه معارف طهران و ولایات کمیسیون بودجه از بودجه معارف طهران چیزی کسر ننموده و بحال خود باقی گذارد تا روزنامه نویسهامارا تنقید نمایند و نگویید اعضاء کمیسیون بودجه ارتجاعی هستند و نمی خواهند حقوق معلمین را تصویب نمایند بنابر این ماه تمام بودجه مرکز را تصویب کردیم اما باید بحال معارف ایالات و ولایات هم ترحمی نمود و انشاء الله در بودجه

آینده همان طور که اینجا مذاکره شد بعد از آن که صورت جز عایدات به مجلس آمد و دیدیم عایداتمان از عایدات سته بیچی ثیل زیادتر است بعد از تعدیل بودجه بنده و سایر آقایان پیشنهاد خواهیم کرد که هر چه زیادی آمد و هر چه یس از مخارج ضروری مملکت توانستیم بول تهیه کنیم صرف معارف بشود و نیز تصدیق می کنیم که تا معارف بسط پیدا ننماید مردم بی حقوق خود نخواهند برد و البته هر کس تاریخ نخواند آنطوریکه باید بوظیفه وطن خواهی و دیانت خودش عمل نخواهد نمود زیرا کوراست لال است زبان ندارد گوش ندارد چشم ندارد و بنده امیدوارم عایدات مملکت همانطور که پیش خودم تصور نموده ام زیادتر شود و بطوری که آقای رئیس الوزرا وعده فرمودند صورت جزء بودجه مملکتی را که به مجلس آوردند زیادی عایدات را بعد از وضع مخارج ضروری مملکت بصرف معارف میرسانیم و اما راجع بقسمتی که فرمودید مالیات بر سرمایه وضع شود جواب عرض کردم و چون تشریف نداشتید تکرار میکنم که شارع مقدس هم بمنافع تجارت و فلاح و مسکوکات و بالاخره به تمام آن چیز هائی که عنوان سرمایه دارد مالیات وضع نموده. حالا بنده هم موافقم که يك مالیاتی برای سرمایه وضع شود و انشاء الله این نظریه را تصویب خواهیم کرد و امیدوارم قوانین مذهبی ما کاملاً اجراء شود و اگر مالیاتی بر سرمایه وضع شود کلیتاً باید عایدات آن بمصارف عمومی خصوصاً مسئله مدارس و مدارس ابتدائی و مجانی برسد

سلیمان میرزا - بنده توضیحی دارم
رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم در ضمن هر ایضم فقراء را محدود بفقراى تهران نکرده ام بنده مکرر گفته ام که از برای بنده هیچک از افراد مسلمان و ایرانی با هم هم تفاوتی ندارند فقیر سایر جاها برای بنده فرقی ندارد فقیر فقیر است زحمتکش زحمتکش است و کاملاً با عبارتی که در روزنامه می نویسند تمام رنجها باین مدرسه داشته باشند موافقم بنده اسم طهران یا جاهای دیگر را نبرده ام اگر هم گفته شده شده اشتباه بوده و سوء تفاهم از برای آقای حاج شیخ اسدالله حاصل شده و با وجود اینکه ظاهراً وکیل طهران هستم عقیده ام این است همانطوریکه فقراء طهران باید تحصیل نمایند فقراى کلیه ولایات نیز باید از نعمت معارف بهره مند بوده و تمام اطفال ایرانی خصوصاً فقرا در مدارس فارغ التحصیل شوند

مخیر - نظر باین که وظیفه مغبیری کمیسیون بنده را الزام میکنند که تمام مسامی خود را مصرف بدفاع از رایورت کمیسیون بودجه صرف نمایم باین واسطه وقتی که در اطراف این موضوع مذاکره می شود اگر چه رابطه مستقیم با اصل مطلب ندارد مع هذا بنده سعی می کنم در زمینه این ماده توافق نظر حاصل شده و زودتر تصویب گردد

قسمتی را که حضرت والا فرمودند و بنده و تمام مجلس با آن موافقم مسئله مالیات بر سرمایه است که بنده عرض کردم و ایشان هم تکرار فرمودند که مالیات

بر سرمایه وضع شود و در این خصوص کسی مخالف نیست

قسمت دیگر راجع به ۲۰۰۰ تومان است که ایشان فرمودند خوب است مجلس از این مبلغ کسر نموده و به پیشنهاد دولت رای بدهد در این موقع می خواهم يك رفع اشتباهی کرده باشم و آن این است که اگر آن نظر بر آنکه حضرت والا دارند در موضوع این پیشنهاد ملحوظ میشود کمیسیون بودجه هم موافق بود و از آن کسر نمیشود و همانطور که می فرمایند اگر این مبلغ بعنوان مدد معاش و کمک با اطفال قراء داده میشد البته کمیسیون بودجه از کسر آن مرتکب قصوری شده بود ولی ایشان باید بدانند که فقط (۲۷۰۰) تومان از این مبلغ بصرف کمک معاش محصلین بی بضاعت میرسد و مابقی یعنی (۲۳۲۰) تومان دیگر بوجوب تصویب نامه های علیحده با شخصاً متکفل معارف تحصیل اولادشان باشند

بنابراین بعقیده بنده اگر باده نظامنامه داخلی متثبت شویم و در موقع اخذ رای نسبت باین ماده رای ندیم و مجبوراً پیشنهاد دولت تصویب شود در واقع همان تصویب نامه ها را بقت قبول نموده ایم و در این صورت نظریه حضرت والا کاملاً برخلاف اجراء خواهد شد ولی ممکن است فعلاً پیشنهاد کمیسیون بودجه را تصویب نمود و بعد راه دیگری برای این کار فکر کرد بنابراین حضرت والا را متذکر می کنم باین نکته که بهترین طریق برای کمک به محصلین فقیر و بی بضاعت تأسیس مدارس شبانه روزی است که ما باید وزارت معارف را مجبور کنیم هر چه زودتر این مؤسسه عام المنفعه را تأسیس نماید و این قضیه خیلی بهتر از این خواهد بود که ما ۲۰۰۰ تومان را تصویب نمائیم که وزارت معارف بهر طفلی که بنظرش فقیر و بی بضاعت آمد سه یا چهار قران بدهد و گمان می کنم دولت هم حاضر باشد در این خصوص پیشنهادی نماید بنابراین خواهش می کنم از مسئله تجزیه و تفکیک که اسباب طول مدت می شود و بالاخره بهمان حالت اولیه عودت می کند صرف نظر فرمائید

رئیس - هفده هیجده نفر اجازه خواسته اند بعلاوه پیشنهاداتی زیادی هم رسیده در صورتیکه مدتی از شب گذشته است

اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بجلسه آینده محول شود

جلسه آینده پس فردا یک ساعت بفرود مانده و دستور بقیه مذاکرات در رایورت کمیسیون بودجه خواهد بود

حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهاد می کنم دو ساعت بفرود معین شود

شیخ اسلام اصفهانی - البته در صورتی که آقایان زودتر تشریف بیاورند خوب است دو ساعت بفرود معین گردد

رئیس الوزراء - در جلسه گذشته آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی راجع باعانه ارومیه از

بنده سؤالاتی فرمودند و من هم وعده دادم در این جلسه شرح آن را عرض کنم اینك صورتی از آن حاضر است قرائت میشود

ماحصل عایدات اعانه ۱۱۲۱۷۰ تومان

مخارج ارسالی ارومیه ۳۸۱۸۱

ارسالی به تبریز برای ارومیه ۱۸۰۰۰

قرض به مهاجرین گیلان ۱۰۰۰۰

مخارج متفرقه ۲۲۰

برای مهاجرین ارومیه در طهران ۱۰۰۰

جمع کلیه مخارج ۶۷۴۰۱

مابقی که جزء موجودی محسوب است (۴۴۲۶۸۰) تومان که (۴۴۶۶۴) تومان آن در تجارخانه طومانیان و ۱۰۳ تومان در بانک شاهنشاهی موجود است

رئیس - آقایانی که معتقدند جلسه دو ساعت قبل از غروب تشکیل گردد قیام فرمائید

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - جلسه آتی روز شنبه دو ساعت قبل از غروب و دستور آن اولاً بقیه شور در رایورت کمیسیون بودجه و ثانیاً قانون تفریح بودجه مجلس راجع به سینه توشقان ثیل و پنج سال دوره فترت

(مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

مؤتمن الملک

جلسه شصت و شش

صورت مشروح مجلس یوم ۳ شنبه

نهم جنمادی الاولی ۱۳۴۰

مطابق هیجدهم دلو ۱۳۰۰

مجلس یکساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم پنجم شنبه سیزدهم دلو را آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده بکلی مخالف با اعانه دادن بمدارس خارجه نبودم عرض کردم اگر طبع پروگرام وزارت معارف هستی ملت ندارد بآنها اعانه داده شود

رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه)

نظام الدوله - آقای سید الملک را در صورت مجلس غائب بدون اجازه نوشته اند در صورتیکه آن روز موقعی که بنده بمجلس می آمدم آقای سدید الملک را در راه دیدم دندانان درد می کرد و به دندانساری می رفتند بنده فرمودند اطلاع بدهم و بنده فراموش کردم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده و آقای آقا میرزا -